

پیشداوری و برخورد غیر اصولی به مهمترین مسائل سیاست داخلی و خارجی به ضرر همبستگی خلق

و پیشرفت انقلاب

در جریان پیشرفت انقلاب شکوهند خدامیریالیستی و خلقی مردم ایران در ارزیابی بعضی از گروهها و سازمانها از مسائل مردم روز بتدریج تغییراتی حاصل شده و در برخورد آنها به نظرات و ارزیابیهای دیگر احزاب، سازمانها و گروهها تحولی بوجود آمده. در خط مشی سیاسی و بالاخره در وضع سازمانهای آنها دگرگونیهای پدیدار گشته و انتساباتی (بویژه در این اواخر) صورت گرفته است. اگر از مواضع اصولی درست و با واقع بینی باین روند برخورد شود ملاحظه میشود که: اولاً این خود جریانی قوتیافته و نتیجه ناگزیر وضع مشخص این نوع گروهها و سازمانها بوده است. ثانیاً که مهمتر است این جریانی است که در مجموع و بطور کلی تاکنون در سمت پیشرفت انقلاب بوده است. لیکن با کمال تأسف دیده میشود که در اثر برخورد نادرست و غیر اصولی به مهمترین مسائل گروهی سیاست داخلی و خارجی در اثر پیشداوریهای که خود اغلب محصول سالیان دراز تبلیغات زهر آلود امپریالیسم و رژیم طاغوتی مستند شده است، این تغییرات و تحولات ناگزیر، بدرستی درک و تفسیر و توضیح داده نشده.

بقیه در صفحه ۲

سخنی پیرامون اظهارات وزیر امور خارجه ایران

معیار که در هر مکتبی پذیرفته شده است، بهنجیم، همبستگی که این سیاست با نظام جمهوری اسلامی ایران مطابق نیست. به قانون اساسی ایران مراجعه کنیم. سیاست خارجی نظام جمهوری اسلامی ایران (در اصل ۱۵۳) چنین تشریح میگردد: «جمهوری اسلامی ایران سادت انسان در کل جامعه بشری را آردمان خود میداند و استقلال و آزادی و حکومت حق و عدل را حق همه مردم جهان می شناسد. بنابر این در عین خود داری کامل از هر گونه دخالت در امور داخلی ملت های دیگر از مبارزه حق طلبانه مستضعفین در برابر مستکبرین در هر نقطه از جهان حمایت میکند».

بنییم سیاست خارجی ایران بنحوی که آقای قطب زاده آنرا پیاده می کند تاچه اندازه با محور اصلی وظایفشان که طبق اصل ۱۵۳ تأمین سادت انسان در قیه در صفحه ۲

مباحث اختصاصی آقای قطب زاده با خبرنگار اطلاعات (شماره نهم تیر ۱۳۵۹) فرصتی بدست میدهد که بار دیگر نظری اجمالی بپروخی از جهات سیاست خارجی ایران بیکشیم. نخست می خواهم این نکته را تذکر دهیم که سیاست خارجی هر کشوری تابع نظام سیاسی داخلی است. نتیجه مهمی که از این اصل مسلم گرفته می شود آنست که عامل اصلی در تعیین سیاست خارجی کشورها نظام سیاسی داخلی آنهاست نه موقعیت جغرافیائی و عوامل دیگر.

ایران شانه شاهی، سیاست خارجی خود را داشت و جمهوری اسلامی ایران طبق قانون اساسی خود سیاست خارجی دیگری را پذیرفته است که با سیاست سابق شانه شاهی فرق اصولی دارد. اگر سیاستی را که آقای قطب زاده بنام جمهوری اسلامی دنبال می کند، با این



هفته ۱۲ تیر ۱۳۵۹ - شماره ۲۷۳
۵ هفته ۱۲ تیر ۱۳۵۹ - شماره ۲۷۳

ماهیت «مبارزان» افغانی روشن شد:

رهبران «مبارزان» افغانی به دست بوس سادات رفتند!

گروه های مبارزه افغانستان کیستند؟ آنها که بلندگوهای امپریالیستی شبانه روز به تبلیغ فعالیتشان سرگرم هستند چه ماهیتی دارند؟ آیا برآمستی مبارزینی هستند که علیه ظلم و ستم یاکشته اند و یا ضد انقلابیونی هستند که علیه انقلاب می جنگند؟

هر روز که بیشتر میگذرد، زندگی، که خود بهترین داور است، علیرغم تبلیغات کرکننده امپریالیستی، که ستانفانه محافل هم در وطن ما دانسته و ندانسته آنها را تکرار می کنند، واقعیت را عریان می کند و حقیقت انقلاب افغانستان و ماهیت شورشیان این کشور در جهان روشن میشود.

گروه های عمده «مبارزان» افغانی کدامند؟ هستند؟ گلبندی حکمت یار، پالیزیان افغانستان و رهبر «حزب اسلامی افغانستان» آنها را باین شرح معرفی می کند: ۱- حرکت انقلاب اسلامی ۲- جمعیت اسلامی ۳- حزب اسلامی ۴- محاذ (حزب) ملی صیبه نجات افغانستان (انقلاب اسلامی ۸ تیر) این پنج گروه باهم متحد شده اند و «اتحاد اسلامی» افغانستان را تشکیل داده اند. رهبر و سخنگوی آنها عبدالرسول سیاف است. ماهیت آنها چیست؟ حکمت یار در پرسش و پاسخ زیر با خبرنگار روزنامه انقلاب اسلامی پاسخ این سؤال را سیده:

بقیه در صفحه ۱۱

* ماهیت و ریشه تشکیل گروه های «مبارزان» افغانی را برای آشنائی نیروهای صادق مسلمان منتشر می کنیم.

□ رهبران آمریکائی گروه های «مبارزان» افغانستان در کنفرانس پاکستان و کنفرانس ژنو شرکت داشتند. در کنفرانس ژنو، همه حتی خبرنگاران میدانستند که این رهبران از آنجا بدست بوس سادات میروند.

□ هسته های اولیه گروه های «مبارزان» افغانی بلافاصله بعد از تشکیل حزب دمکراتیک افغانستان بوجود آمد.

□ رهبر حرکت انقلاب اسلامی افغانستان که یک گروه ضد ایرانی است، در هیئت نمایندگی ایران در کنفرانس پاکستان شرکت داشت!

قیمت ها به موز خطرناکی رسیده است ۱۴

نان رسماً گران شده است...

□ قیمت نان رسماً نسبت به سال گذشته تا ۵۰ درصد افزایش قیمت داشته است.

□ تنها راه اوزان کردن نان، دولتی کردن آن است.

□ مردم: با اجرای طرح جدید نان گرانتر و با کیفیت بدتر بدستمان میرسد.

دانه ای يك تومان می خرم چون در اینصورت نان برشته گیرم می آید. (نظری) کارمند بازنشسته در یکی از نانوائیهای خیابان کارگر میگوید: «مادر خانرا ده به ملت زیادی جمعیت معمولاً از نان لواش استفاده می کنیم چون بیشتر از نانهای دیگر می ماند ولی از مومنی که دولت عملاً نان لواش را بیک تومان گرانتر از قیمت غیر رسمی آن کرده مصرف این نان در خانه ما کمتر شده است و ما بیشتر از نان بربری که ارزانتر است استفاده می کنیم».

کیلویی ۲۴ ریال بوده اسال به کیلویی ۴۸ ریال افزایش یافت. (احمد عادی) کارگر با ماهی سه هزار و صد تومان درآمد افزایش قیمت نانرا برای خبرنگار شرح میدهد: «نان نسبت به سال گذشته گرانتر شده و از لحاظ کیفیت بدتر هم شده است. ما در خانه بیشتر از نان بربری استفاده می کنیم» از مومنی که دولت خواسته تا نان را وزن کنند، نان خیر و سنگین بدستمان میرسد به همین دلیل من هیچوقت از نانوائی نخواهم که نانم را وزن کنند و با همان قیمت

قیمت رسمی نان غذای اصلی زحمتکشان ایران نسبت به سال گذشته تا ۶۶ درصد گرانتر شده است. بطور نمونه قیمت رسمی نان لواش که در سال گذشته کیلویی ۲۵ ریال بود اسال به کیلویی ۴۰ ریال رسیده است. یعنی ۱۵ ریال به نرخ قبلی آن اضافه شده است. نشان فروز دین ماه اسال توسط دولت رسماً گران شد. قیمت رسمی نان لواش که در سال گذشته کیلویی ۲۵ بود اسال توسط دولت به کیلویی ۴۰ ریال رسید. قیمت رسمی نان تاکنون که در سال گذشته



در کوره پزخانه های ملایر چه میگذرد؟ کار نصب دستگاههای شرکت نساجی بابکان را هر چه زودتر انجام دهید

هشدار حزب توده ایران - سازمان ایالتی کیلان فعالیت روز افزون ضد انقلاب را برای ایجاد نا آرامی در کیلان خنثی کنیم!

حزب توده ایران به اعتقادات مذهبی مردم عمیقاً احترام میگذارد

کر ج

شعری از احسان طبری

زمینهای غلامرضا پهلوی را بین دهقانان تقسیم کنید!

مشکل گوشت و ضرورت حل آن

اشتباهات «مائو» بدبختی بزرگ برای حزب و مردم چین

حملة ضد انقلابیون گروه فاشیست «قاسملو» به دفتر حزب توده ایران در مهاباد

رویدادهای جهان

حمله ضد انقلابیون گروه فاشیست «قاسملو» به دفتر حزب توده ایران در مهاباد

هشدار حزب توده ایران - سازمان ایالتی کیلان

فعالیت روز افزون ضد انقلاب را برای ایجاد نا آرامی در کیلان خنثی کنیم!

در مهاباد

در مهاباد

در مهاباد

برای مبارزه با امپریالیسم امریکا، دشمن اصلی مردم ایران، متحد شویم!

حمله ضد انقلابیون فاشیست «گروه قاسملو» به دفتر حزب توده ایران در مهاباد

همزمان با برگزاری میتینگ انزلی، اعضای رهبری حزب دمکرات کردستان ایران (پروکتور چهارم) در مهاباد که در تاریخ ۵۹/۳/۱۰ برگزار شد، عده‌ای از اوباشان وابسته به «گروه قاسملو» به سرپرستی گویم الله و... در مهاباد به زدن میتینگ پرداختند و با دادن شعارهای تحریک آمیز، محیط را مشتعل ساختند. آنها سپس قصد دستگیری احمد عزیزی، انقلابی مسافر و عضو کمیته مرکزی حزب دمکرات کردستان ایران، به فرمانداری هجوم بردند و شیشه‌های در ورودی را شکسته و وارد ساختمان شدند. از آنجا که احمد عزیزی در ساختمان نبود، اوباشان در بازگشت به چند تن از افراد سازمان جوانان حزب دمکرات کردستان ایران (پروکتور چهارم) حمله کردند و درون آنجا را متصرف شدند. در این عمل خائنه فاشیست‌های «گروه قاسملو» اینان با دادن شعارهای تحریک آمیز

هشدار حزب توده ایران - سازمان ایالتی گیلان

مردم مبارز گیلان! بدنبال تشدید فعالیت و توطئه‌های عوامل ضدانقلاب در شهرهای مختلف استان گیلان، پس از ایجاد ناآرامی در اتزل و طواتل و سایر نقاط، اخیراً در رشت و لاهیجان و رودسر شاهد انفجارات و برخوردها و حوادث تحریک آمیزی هستیم که می‌تواند زمینه گسترش عمل ضدانقلاب را فراهم سازد. در این رابطه گروهکها و محفل‌های چپ‌نما نظیر «یکار»، «روزنگان»، «توفان» و «حزب رنجبران» از یک طرف و از طرف دیگر گروهک‌هایی که زیر لوای اسلام عمل می‌کنند و در واقع بتول امام خمینی ضد اسلام و ضدانقلاب هستند می‌خواهند زمینه بلوا و آشوب را فراهم آورند. همچنین نیروهای هوادار پختیار و اویسی و چالیزیان و ساواکی‌های نقابدار، شب و روز در تلاش برنامه‌ریزی و سازماندهی تشنج و درگیری هستند. همه این عوامل ضدانقلاب دست بدست هم داده‌اند تا آتش جنگ برادر کشی را در گیلان نیز برافروزند.

در مقابل تحریکات اینان، نیروهای وفادار به انقلاب در گیلان، از جمله حزب توده ایران با اتخاذ مواضع درست و مثبت در تلاشند تا نقشه شوم عوامل ضدانقلاب را خنثی سازند. اتخاذ مواضع درست از طرف این گروهها و اجتماعات در درگیری‌روزهای ۱۳۰۸ و ۱۳۰۹ تیرماه جاری در لاهیجان بیانگر این روش درست و مسئولانه از جانب این نیروهاست. در این روزهای حساس میهن، در شرایطی که دشمنان انقلاب ایران بر سرکردگی امپریالیسم آمریکا برای شکست این انقلاب متحد عمل می‌کنند، ما از تمامی نیروهای ضدامپریالیستی می‌خواهیم که با حفظ خونسردی و هوشیاری، توطئه‌های ضدانقلاب را افشاء و خنثی سازند و آنها را مغرور کنند. برقرار باد اتحاد ضدامپریالیستی و دمکراتیک همه مردم ایران در جبهه متحد خلق حزب توده ایران سازمان ایالتی گیلان - ۱۱ تیرماه ۱۳۵۹

سخنی در پیرامون ...

بقیه از صفحه ۱ کل جامعه بشری و در حمایت مستضعفین در برابر مستکبرین است. ملاقات دارد. چه نیروهای هستند که «سودات انسان در کل جامعه بشری» را تهدید می‌کنند و چه نیروهای هستند که در راه تأمین «سودات انسان در کل جامعه بشری» می‌کوشند. عادتاً آقای قطب‌زاده که مجری سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران هستند باید با مخالفان «سودات انسان در کل جامعه بشری» مخالفت و با موافقان آن موافقت داشته.

مستحقان چنین نیست. از بیانات ایشان در این خصوص معلوم می‌شود که تمام قلب خود را به دو قطب مخالف «سودات آنان» به پاکستان (غیر مستقیم با آمریکا) و به چین فروخته‌اند. آقای قطب‌زاده در پاسخ سوال خبرنگار که می‌گوید «پاکستان منتهی به پیروی از غرب است» پاسخ می‌دهند: «این اتهامات که به پاکستان زده می‌شود دقیقاً از سوی کمونیست‌های جهان است و از کمونیست‌ها می‌خواهد که «بایدان دولایان را روشن کنند».

آیا واقعاً وزیر امور خارجه ایران در بیانی که برای ادوات خودش نمی‌تواند دلایل کافی برای این پیروی از غرب بیاورد، آیا ایران شاهنشاهی و پاکستان در بیانی بناد دوستی با امپریالیسم انگلستان و آمریکا هم‌بیمان نبودند. آیا در پاکستان که آن موقع هم جمهوری اسلامی نامیده می‌شد، انقلاب رژیم دیکتاتوری شاه‌الحق را سرنگون کرده و در آنجا نظام جمهوری اسلامی را بنیان نهاده‌اند؟ آیا در پاکستان که سیاست خارجی آن به تمهید از نظام داخلی تغییر کرده باشد. آیا وزیر امور خارجه ایران با همکاری ضیاءالحق می‌خواهد وظیفه دیگری را که قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران با او محول کرده است انجام دهد و از مبارزه حق طلبانه مستضعفین در برابر مستکبرین، حمایت کند؟ آیا ذات ناپاکانه اذهنی بخش ضیاءالحق می‌تواند حتی بخش مستضعفین باشد؟

درست وقت کنید. در زمان طاعون سیاست امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکار منطقه کشور ما و مجاورش برقرارداد ستو استوار بود. ۳ پایه محلی این قرارداد ایران آریامهری، ترکیه و وابسته به ناتو زیر رهبری دمیرل و پاکستان وابسته به آمریکا (پیمان دو جانبه) زیر رهبری ضیاءالحق بود. انقلاب ایران «آریامهر» را سرنگون ساخت و دمیرل فرستاد. در ترکیه تغییرات سیاسی که با تغییر دمیرل به اجوت پیدا شده بود، بازگشت یافت. در وزارت خارجه ایران بجای اردشیر زاهدی و خلعت‌بری و دیگران وزیر خارجه انقلاب ایران آقای قطب‌زاده جایگزین شد.

سیاست خارجی ایران امروز چنان بکار گرفته می‌شود که مستوی آن بصورت همان سیاست خشن ضد شوروی، ضد انقلاب افغانستان، ضد همه نیروهای صلح طلب و ترقیخواه جهان و در جهت تبرئه رژیم‌های وابسته ترکیه و پاکستان جلوه می‌کند.

ضیاءالحق و امیر محمد شاه و دمیرل‌ها می‌توانند به سلطان قابوسها کمک کنند، اما آنها هرگز به مستضعفین، به پیروان اسلام راستین، به پیروان خمینی که ریشه خود آنها را نیز خواهند کند، کمک نخواهند کرد. آقای

نان رسماً گران شده...

بقیه از صفحه ۱ نان سنگک نیز همانند دیگر رقیای خود سد قیمت‌ها را شکسته است. قیمت رسمی نان سنگک که در سال گذشته کیلویی ۲۱ ریال بود امسال بنسبت دولت قیمت رسمی آن به کیلویی ۲۶ ریال رسیده است. بررسی دقیق قیمت نان نشان می‌دهد که در مورد نان «کیلویی» دولت نرخ غیر رسمی نان را رسماً به عنوان قیمت نان اعلام کرده است. نان ترکیب یک تومان به قیمت غیر رسمی نان لواش اضافه شده و این نان که در سال گذشته قیمت رسمی آن کیلویی ۲۵ ریال و قیمت غیر رسمی آن کیلویی ۳۰ ریال بود توسط دولت در فروردین رسماً کیلویی ۴۰ ریال قیمت گذاری شد. نان تافتون که در سال گذشته قیمت رسمی آن کیلویی ۲۴ ریال و قیمت غیر رسمی آن کیلویی ۲۸ ریال بود امسال رسماً کیلویی ۲۸ ریال قیمت‌گذاری شد. در واقع دولت قیمت غیر رسمی نان را که غیر قانونی نیز بود بطور قانونی و رسمی به ثبت رسانید. با اعلام این نرخ قرار شد نانواها نان را وزن کنند و آن را با کیفیت خوب در اختیار مشتری بگذارند. مشتریان نیز قرار شد بر عمل نانواها نظر داشته باشند. آیا این طرح اجرا شد؟ کشتی در نانواهای تهران نشان می‌دهد اکثر مشتریان به علت اینکه نان وزن کرده خیر و سنگین نیست آنها می‌رسند. نان واپسورد دانه‌ای خریداری می‌کنند و در نتیجه نان دانه‌ای گرانتر از نان وزن کرده به دست مشتری می‌رسد. «فریاده ناصری» خانه دار و این مورد می‌گوید: «نان اگر وزن شود خمیر بدست می‌آید که اصلاً قابل خوردن نیست به همین دلیل من نان بربری را دانه‌ای یک تومان می‌خرم تا برشته در بیاید ولی اگر همین نان برشته را وزن کنند برامتی خیلی ارزاتر از یک تومان است».

نان دانه‌ای هم گران است! بررسی نشان می‌دهد که اکثر مشتریان نان و دانه‌ای خریداری می‌کنند تا برشته‌تر بدستشان برسد. قیمت نان دانه‌ای هم نسبت به سال گذشته نیز همانند نان کیلویی گرانتر شده است. بطور نمونه نان سنگک دانه‌ای که قیمت رسمی آن دانه‌ای ۶ ریال و قیمت غیر رسمی آن دانه‌ای ۸ ریال بود امسال علاوه بر دانه‌ای ۱۰ ریال بفروش می‌رسد. با نان لواش که مصرف کننده زیادی دارد در سال گذشته قیمت رسمی آن دانه‌ای ۶ ریال و غیر رسمی آن دانه‌ای ۷ ریال بود ولی امسال به قیمت رسمی دانه‌ای ۱۰ ریال فروخته می‌شود. و این امر در مورد نان تافتون و بربری نیز صدق می‌کند. یعنی قیمت رسمی نان دانه‌ای حتی گرانتر از قیمت غیر رسمی آن نسبت به سال گذشته است.

«گرم علی کاظمی نژاد» کارگر چاپخانه در این مورد می‌گوید:

«من یادم می‌آید که حدود یک سال و نیم پیش نان تافتون دانه‌ای ۶ ریالی می‌خریدم

پیشداوری و برخورد غیر اصولی ...

بقیه از صفحه ۱ نیست. و این البته به نفع نزدیکتر کردن مواضع گروهها و سازمانها، به نفع ایجاد همبستگی، یکپارچگی و وحدت مردم، و بیک کلام، به نفع تحکیم و بشیرد انقلاب نمیتواند باشد. مثلاً ۲۵ خرداد بخشی از کادر رهبری حزب دمکرات کردستان ایران نظرات و مواضع خود را درباره وضع کنونی کشور، انقلاب ایران و مسئله کردستان انتشار داد. این بخش از کادر رهبری حزب رسماً اعلام کرد که می‌دانند و می‌فهمند که خطا انقلاب ایران از خط توطئه‌های امپریالیستی، مقدم است و باید با همه نیروهای انقلاب ایران در یکجبهه گرد آمد و ایران را از هر نوع وابستگی خارجی، در مرحله اول وابستگی به امپریالیسم آمریکا نجات داد. لذا این بخش از کادر رهبری حزب دمکرات کردستان ایران از قسوت دیگر، که بدرستی آنرا «نیروهای ناسالم و ضدانقلابی» نامید، جدا گردید، اعمال و رفتار آنها را مورد تحلیل انتقادی قرار داد و بشدت محکوم کرد. از اینرو نیز نظرات فضل این بخش از رهبری حزب دمکرات کردستان ایران همچون گامی مثبت و بزرگ در راه حل مسئله کردستان از طریق سیاسی و مطابق با پیام تاریخی رهبر انقلاب امام خمینی ارزیابی شد و باعث رضایت نیروهای انقلابی و خلقی گردید. بویژه که این بخش از رهبری حزب، به تصدیق روزنامه انقلاب اسلامی، «اکثریت قریب بافلاق کادر مرکزی حزب را دارا می‌باشند». بدین ترتیب، جدا شدن «اکثریت قریب بافلاق کادر مرکزی» از اقلیتی که روش ناسالم و ضدانقلابی دارد و به تصدیق روزنامه انقلاب اسلامی، تمایلات ناسیونالیستی (شوونیسم) گردی دارد و اعلام صریح هواداری جدی از خط امام انقلاب می‌بایست مورد تأیید قرار میگرفت. لیکن برعکس، روزنامه انقلاب اسلامی از این جدایی بخشی از کادر رهبری حزب از گروه ناسالم و ضد انقلابی، و اتخاذ موضع درست از جانب آن اکثریت، نارضاضی است و در سمرقه مورخه ۸ تیر با تحریف حقایق سعی در برچسب زدن به همین بخش از رهبری حزب دمکرات کردستان را دارد، بخشی که آشکاراً و با جرات لازم قدامت بزرگ و جدی در سمت انقلاب برداشته است. چرا؟! مقصد چیست؟! سمرقاله نمونه دیگری نیز از انحرافات اخیر آورده است: جدایی «اکثریت» سازمان چریک‌های فدائی خلق و نیست آنها با دبیر حزب جمهوری اسلامی. اما اگر درباره مثال یکم توضیحاتی در سمرقاله آمده است در مورد نمونه دوم هیچ ضرورتی هم برای باسطلال «تحلیل» و «بررسی» ندیده و فقط به ذکر این اشکافا کرده است. از این دو مثال بیک «نتیجه کلی» برسد، و آن اینست:

نانوا می‌رسد، یعنی ۳۰ کیلو سیمیه آورد آنها اضافه شده و باز هم برسد آنها افزوده است. تنها راه حل! دوماه از اجرای طرح جدید دولت که با حسن نیت کامل برای ایران شدن نان تهیه شده بود می‌گذرد. در این مدت عمل نشان داده است که متأسفانه این طرح موفق نبوده است. علاوه بر اینکه نان رسماً گران شده، از کیفیت آنهم کاسته شده است. مردم هم چنانکه پیش‌بینی میشد نتوانسته‌اند با نظارت بر نانواها، نانرا ایران کنند و حتی وزن کرده بفروشند. اکنون چه باید کرد!

تنها راه حل ایران کردن نان، دولتی کردن است. دولت باید اداره نانواها را به عهده بگیرد از سرمایه‌دارانی که سود نان به جیب آنها می‌رود و خلعید کند و کارگران نانوا را به استخدام خود درآورد و با اجرای این طرح که سندیکی نانواها هم در آخرین جلسه خود آنرا تهازل داشتند، دولت تهیه و توزیع نان را به عهده می‌گیرد. شان ایران شده و طبق نرخ واحد و ثابت فروخته میشود مشکلات رفاهی کارگران نانوا می‌باید.

نام کالا	قیمت سال گذشته رسمی	قیمت سال گذشته غیر رسمی	قیمت امسال	درصد افزایش بین دو قیمت رسمی و امسال
نان لواش (دانه‌ای)	۶ ریال	۷ ریال	۱۰ ریال	۶۶ درصد
نان بربری	۷	۸	۱۰	۴۲
نان تافتون	۶	۷	۱۰	۶۶
نان سنگک	۶	۸	۱۰	۶۶

قیمت یک دانه نان

نام کالا	قیمت سال گذشته رسمی	قیمت امسال	قیمت سال گذشته غیر رسمی	درصد افزایش بین دو قیمت رسمی و امسال
نان لواش (کیلویی)	۲۵ ریال	۳۰ ریال	۴۰ ریال	۶۰ درصد
نان بربری	۲۰	۲۴	۳۰	۵۰
نان تافتون	۲۴	۲۸	۳۸	۱۶/۵
نان سنگک	۲۱	۲۶	۳۶	۷۱

قیمت یک کیلو نان

فایده مشاهده میشود در مدتی کمتر از یکماه در تمام (۱۱) سازمانهای چپ فعال در کشور یکباره اشتبا ایجاد میشود ناشی از یک سیاست واحد است که کاملاً اگر گنیز شده و سازمان یافته میباشد. به بیانی از نظر سمرقاله نویسنده، این سیاست واحد کدام است.

برای جواب دادن باین سؤال سمرقاله مینویسد: «از آنجائی که این اواخر در احزاب چپ ایران اشتبا پستی مشاهده شده، بررسی سیاست درستی در قبال ایران و مسئله کردستان حائز کمال اهمیت است». در این باسطلال «بررسی» سمرقاله نویسنده تلاش دارد مطرح ۶ ماهه‌ای را (که نتیجه پیگیری نیروهای شرقی و فعالیت طولانی هیئت ویژه ایستکه طبق پیام تاریخی رهبر انقلاب ایران امام خمینی برای حل سیاسی مسئله کردستان تشکیل شده بود) به «دستور العمل روسیه» (۱۱) برگرداند چپ فعال در کردستان، مرتبط سازد. در صورتیکه همه میدانند که فرای روز انتشار پیام تاریخی امام بود که نیروهای درگیر در کردستان رسماً هواداری و پیروی خود را از آن اعلام داشتند و عمل درگیری و جنگ برادر کشی متذکر شد. آیا باسطلال «توضیح» علت متذکره درگیرها و گذاشتن دستور العمل روسیه بجای پیام تاریخی رهبر انقلاب و بنیان گذار جمهوری اسلامی ایران امام خمینی یک تحریف آشکار واقعیت نیست؟

نظر اصولی حزب توده ایران درباره مسئله کردستان با صراحت و قاطعیت هر چه تاملات از پیش از یکسال پیش باین سو در دما ساند و مقاله توضیح داده شده است. از آنجمله است اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران (۲۸ آبان ۱۳۵۸) تحت عنوان «منحصرین کم بزرگ در راه پایان دادن به محرومیت‌های خلق کرد، با تأیید امام خمینی، رهبر انقلاب ایران برداشته شده، اعلامیه دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران (۵ خرداد ۱۳۵۸): «حزب توده ایران سیر تحول مذاکرات مربوط به آتش بس کردستان را با خوشبینی تلقی میکند» و غیره. در اظهاریه کمیته مرکزی حزب توده ایران (۱۳ خرداد ۱۳۵۸) زیر عنوان «در کردستان چه می‌گذرد و مسئله کردستان چگونه قابل حل است» نیروهای اصیل خلق کرد مورد تحلیل قرار گرفت، نقش ضدانقلاب (سازمان چپ) نمای کوبله، سازمان زرگاری، داروسته سرهنگ علیار و یارانش بنام «آراء» گروههای اترجمی وابسته به شیخ عثمان و شیخ جلال حسینی، فلولها و خانها و دسته‌های ساواکی و افسران فراری ارتش سرسیرده به رژیم شاه مخلوع) افشا و به قیدت محکوم گردیده، مواضع حزب دمکرات کردستان ایران بررسی شده، اختلاف موضعگیری سیاسی رهبری مرکزی سازمان چریک‌های

بقیه در صفحه ۱۲

نورالدین
کیانوری

یک بررسی کوتاه از دیدگاه طبقاتی

دوستان و دشمنان انقلاب ایران

نامه «مردم» هر هفته روز پنجشنبه یکی از مقالات تحلیلی منتشره در ماهنامه «دنیای» نشریه سیاسی و تئوریک کمیته مرکزی حزب توده ایران را به چاپ خواهد رسانید. این پاسخی است به پیشنهادهای فراوانی که درباره انتشار وسیع تر مقالات «دنیای» به دبیرخانه حزب رسیده است.

امروز ما مقاله «دوستان و دشمنان انقلاب ایران» نوشته رفیق کیانوری دبیر اول کمیته مرکزی حزب توده ایران را چاپ می‌کنیم که مشخصاً بسیاری از دوستان انتشار آن را در سطح گسترده تری تقاضا کرده‌اند و چندین تن از شخصیت‌های برجسته نیز چاپ مجدد آن را در نامه «مردم» توصیه کرده‌اند.

پنجشنبه هفته آینده در همین صفحه مقاله «مساله‌ای به نام کاست روحانیت» نوشته رفیق احسان طبری و مقاله «حزب توده ایران و روحانیت مبارز» نوشته به - کیا منتشره در شماره ۳ سال جاری مجله دنیا را خواهید خواند.

بارها تاکید کرده است، بارسنگین نبردهای انقلابی به دوش زحمتکشان شهروستا یعنی کارگران، دهقانان، (و اسم از دهقانان در روستا و دهقانان در ارتش و دهقانان مترازی که خیل زحمتکشان شهرها را تشکیل می‌دهند)، پیشه‌وران و روشنفکران زحمتکش قرار داشته است.

سرمایه‌داری متوسط و کوچک و خرده بورژوازی مرفه در مراکز معینی به علت انگیزه‌های ویژه طبقاتی، به منافع طبقاتی خود از انقلاب پشتیبانی کردند. و درست به همین علت است که موضع سیاسی بخشی از آنان پس از پیروزی انقلاب نسبت به پیش از انقلاب تغییر پایهای پیدا کرده است. به این پرسش که چرا سرمایه‌داری و قشرهای بینا بین مرفه از انقلاب پشتیبانی کردند و اکنون بخشی از آنان به طور واضح پشت به انقلاب کرده و در راه دهم شکستن آن قدم برمی‌دارند، تنها از دیدگاه طبقاتی، یعنی وابستگی طبقاتی و منافع طبقاتی این گروه‌ها می‌توان پاسخ داد، و واقعیت این است که این قشرها در دوران اوج گیری انقلاب صادقانه از آن پشتیبانی می‌کردند، ولی به چه امید؟ برای چه هدفی؟ آیا امیدواری این قشرها همان امید و هدفی بود که کارگران، دهقانان بی‌زمین، محرومان و ساکنان زانها از انقلاب داشتند؟ نه.

هدف آن‌ها این نبود که در نتیجه انقلاب، امتیازات اقتصادی - اجتماعی دوران طاغوت را از دست بدهند، بر مکتب آن‌ها با رژیم طاغوت یعنی رژیم غارت بی‌بندوباری مبارزه را تروث ملی ما به دست انحصارهای امپریالیستی و قشر کوچک طبقات حاکمه (سرمایه‌داران وابسته و بزرگمالکان) از این لحاظ مبارزه می‌کردند که آن را سد راه گسترش سریع و بازم بیشتر امتیازات طبقاتی و اقتصادی و درآمد خود احساس می‌کردند، آنان هر وقت می‌خواستند در راه برطرف کردن این سدگوشی بعمل آورند با دستگاه اختناق ساواک که سگ تکه‌بان آن رژیم غارتگری بود، روبرو می‌شدند. به همین جهت شعار این قشرها این بود که ساواک برانده، دست امپریالیسم و بزرگمالکان کوتاه شود (بر بده نشود فقط کوتاه شود) و امکان تقسیم عادلانه تر ثروت اجتماعی و درآمد ملی بین همه طبقه سرمایه‌دار و قشرهای مرفه جامعه ایران به وجود آید. به دیگر سخن هدف این قشرها در پشتیبانی از انقلاب، تنها محدود کردن غارت امپریالیستی بود، نه پایان بخشیدن به آن، محدود کردن غارت کلان سرمایه‌داران وابسته و بزرگمالکان بود نه ریشه کن کردن آن، و به خدمت گرفتن دستگاه مخوف اعمال فشار و اختناق بود، نه درهم شکستن آن.

ولی توده‌های ده‌ها میلیون کارگران و دهقانان و پیشه‌وران و روشنفکران زحمتکش انقلابی، که روحانیت مبارز به رهبری امام خمینی به عهده‌ترین سختگیری آنان مبدل گردید، در نبرد قهرمانانه و پرازدگشت و فداکاری خود، برای انقلاب هدفی غیر از هدف‌های فوق‌داشته، هدف این نیروی عظیم انقلابی که ده‌ها هزار کشته و صدها هزار زخمی و معلول دادند و این قدر محرمیت کشیدند، این بود که پس از انقلاب تمام ثروت ملی مبین ما و تمام محصول کار و زحمت میلیون‌ها زحمتکش ایران به پای آن که میان ده‌هزار کلان سرمایه‌دار بزرگمالک تقسیم شود، میان صدهزار سرمایه‌دار و مالک دیگر تقسیم شود. آن‌ها با این فداکاری انقلاب را به پیروزی رساندند که این ثروت ملی برای بهبود زندگی همه مردم و در درجه اول توده‌های ده‌ها میلیون محرومان و زحمتکشان و با به گفته امام خمینی مستضعفان و کوخ نشینان جامعه به کار افتد.

درست به علت همین منافع طبقاتی است که این پدیده قانونمند در انقلاب ایران (مانند همه انقلاب‌های نظیر در جهان) بروز می‌کند که بورژوازی لیبرال در دورانی که سمتگیری عده انقلاب علیه امپریالیسم و استبداد بود، از انقلاب پشتیبانی می‌کرد، ولی بلافاصله پس از پیروزی انقلاب، هنگامی که انقلاب زیر فشار خواست‌های توده‌های ده‌ها میلیون زحمتکشان جنبه خلقی پیدا می‌کند، به ترمزکننده گسترش خلقی انقلاب مبدل می‌شود. ما امروز شاهد این پدیده هستیم که بخشی از این بورژوازی لیبرال به نقش‌نرمزکننده خود ادامه می‌دهد و بخش دیگر آن (از قبیل گردانندگان جمهوری خلق مسلمان، نرپه‌ها و مقدم مراغه‌ای‌ها و یارانشان) به اردوی ضد انقلاب پیوسته و تمام نیرو و امکانات خود را برای درهم شکستن انقلاب به کار می‌برد.

تجربه انقلاب ایران در یک سال و نیم که اکنون از آن می‌گذرد و به ویژه رویدادهای ماه‌های اخیر، درستی ارزیابی علمی حزب توده ایران را که از دیدگاه طبقاتی انقلاب ایران را مورد بررسی قرار می‌دهد، به نحوی انکارناپذیر به ثبوت رساند. در گزارش هیئت اجرایی به بلنوم شانزدهم کمیته مرکزی حزب توده ایران در اسفند ۱۳۵۷ در این باره چنین پیش‌بینی شده است: مسلم است که سرمایه‌داری لیبرال، که تاکنون بسا

در دوران پس از انقلاب شکوهمند مبین ما از سوی بسیاری از دست‌اندرکاران سیاست ایران کوشش‌های زیادی می‌شود تا انقلاب ایران را از محتوای طبقاتی‌اش تهی سازند. بخشی از این کوشش‌ها ناگاهانه است. به این معنی که این کوشندگان و اقامه وجود طبقاتی ناهمگون دو جامعه معتقد ندارند. ولی در تود بخش دیگری از کوشندگان، دم خروس وابستگی و دفاع از سرمایه‌داری و مالکیت بزرگ‌ارزشی با هم می‌وشی دیده می‌شود. این ثوری‌با فانی و ثوری‌سازان «جامعه بدون طبقات» به خوبی می‌دانند که چایشان در جامعه دو سکر مقابل میلیون‌ها زحمتکش شهر و روستا، کارگران و دهقانان و سایر مزدبگیران در اقتصاد کشور قرار گرفته است.

مبارزان واقعی راه خلق، آن‌ها که به راستی از تنگنای توده‌های ده‌ها میلیون زحمتکشان شهر و روستا رنج می‌برند و نسبت به غارت و غارتگران لروت‌های ملی و استثمارگران زحمتکشان احساس نفرت دارند، این تقسیم‌بندی طبقاتی راه اگر چه در قالب واژه‌های مختلف، می‌پذیرند.

هنگامی که امام خمینی انقلاب ایران را انقلاب کوخ‌نشینان و مستضعفان و نه انقلاب کاخ‌نشینان و مستکبران توصیف می‌کند، این خود تقسیم جامعه به طبقات مستکبر و غارت شده از یکسو و طبقات غارتگر و مستکبر از سوی دیگر است.

هواداران سوسیالیسم علمی که انگیزه موضع‌گیری سیاسی‌شان همان رنج و دردی است که از مشاهده زندگی محرومان و تنگدستان و غارت‌شدگان جامعه احساس می‌کنند، برای این واقعیت غیرقابل انکار جامعه یک تحلیل دقیق علمی، یعنی تحلیل طبقاتی دارند. از دیدگاه هواداران سوسیالیسم علمی، در چارچوب تقسیم‌بندی‌های گوناگونی که در جامعه ناهمگون مبین‌ما از لحاظ وابستگی‌های قومی، زبانی، مذهبی، آداب و رسوم وجود دارد، تقسیم‌بندی طبقاتی و مبارزه طبقاتی که پیامد اجتناب‌ناپذیر آن است در مجموعه روند زندگی اجتماعی نقش تعیین‌کننده را دارد است. تمام روند انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی مبین‌ما و همچنین روند مبارزه کنونی علیه امپریالیست‌های جهان‌خواهر به سرکردگی امپریالیسم امریکا - و علیه غارتگران ثروت‌های اجتماعی - چه آن بخشی که از کشور فرار کرده و از بیرون علیه انقلاب ایران توطئه می‌کند و چه بخشی که در داخل با ادامه غارت بی‌بندوباری، انقلاب را به خطر انداخته، نشان‌دهنده این واقعیت است.

وضع طبقات در دوران طاغوت

در دوران سلطه رژیم استبدادی وابسته به امپریالیسم جهانی، عمده‌ترین تقسیم‌بندی طبقاتی جامعه ما چنین بود: از یک سو طبقات حاکمه مرکب از سرمایه‌داران بزرگ وابسته به امپریالیسم و بزرگمالکان و از سوی دیگر طبقات و اقشار جنبه ضد استبدادی و ضد امپریالیستی قرار داشتند. طبق نیروهای جنبه ضد امپریالیستی و ضد استبدادی (از کارگران، وابسته، بویژه سرمایه‌داران، پیشه‌وران، روشنفکران و سایر زحمتکشان شهر و روستا و بخش قابل توجهی از سرمایه‌داران (از لحاظ کمی)، یعنی سرمایه‌داران غیر وابسته به انحصارهای امپریالیستی تشکیل می‌یافت.

سرمایه‌داری بزرگ وابسته به امپریالیسم که پایگاه طبقاتی عمده رژیم استبدادسلطنتی بود، همه شاخه‌های سرمایه‌داری بزرگ ایران در همه بخش‌های صنعتی، بانکی، بیمه، تجاری، بوروکراتیک، کشاورزی و سفته‌بازی را در بر می‌گرفت. سرمایه‌داری بزرگ ایران در همه این بخش‌ها با تاپویرودش با سرمایه‌های امپریالیستی و در درجه اول با انحصارهای بزرگ جهان امپریالیسم پیوند یافته بود. در این طبقه سرمایه‌داران وابسته، بویژه سرمایه‌داری بوروکراتیک، یعنی کارگزاران رژیم استبدادی و گردانندگان دستگاه‌های اداری و فرماندهان بالارپه ارتشی که تمام بودجه دولت، درآمد نفت و همه بخش دولتی اقتصاد را در دست داشتند و از این راه از مجموعه درآمد ملی بسود خود بی‌بندوبار برداشت‌های عظیمی می‌کردند، جای ویژه‌ای داشتند و نقش مهمی را هم در غارت اجتماعی و هم در تحکیم وابستگی کشور به بزرگمالکان امپریالیستی ایفا می‌نمودند. به این ترتیب سه عنصر پایهای رژیم طاغوت را می‌توان چنین خلاصه کرد:

- ۱- غارت بی‌بندوبار انحصارهای امپریالیستی
- ۲- غارت بی‌بندوبار سرمایه‌داران وابسته به امپریالیسم و بزرگمالکان
- ۳- رژیم ساواکی اختناق استبداد سلطنتی

محتوای انقلاب ایران

انقلاب شکوهمند ایران که زیر رهبری خردمندانه و پی‌گیرانه و لژول‌ناپذیر امام خمینی به پیروزی رسید، در تمام ابعادش یک انقلاب اجتماعی با سمتگیری روشن طبقاتی بود که در آن طبقات اجتماعی مستکبر و غارت شده وزیر فشار علیه طبقات مستکبر و غارتگر قیام نمودند و بانبر دلاورانه خود دشمن را سرنگون ساختند.

انقلاب ایران، انقلابی کاملاً قانونمند بود که با مبارزهای علمی می‌توان آن را ارزیابی نمود. آماج‌های عمده این انقلاب به طور مشخص مبارزه بودند از همان آماج‌های طبقاتی جنبه نیروهای ملی و خلقی ایران بر انداختن استبداد سلطنتی به عنوان ابزار سلطه‌جابرانه و غارتگرانه امپریالیسم یعنی انحصارهای جهانی سرمایه‌داری و رژیم شاه یعنی طبقات غارتگر سرمایه‌دار وابسته و بزرگمالک، از کسانی که ادا می‌کنند انقلاب ایران تنها یک «انقلاب اسلامی» بوده، جنبه طبقاتی نداشته است، این پرسش ساده را بکنیم که محتوای شعار اقتصادی - اجتماعی «استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی» را چگونه توضیح می‌دهند؟ تاگزیر همین پاسخ را خواهند داد که استقلال از همه‌گونه سلطه امپریالیستی در زمینه‌های اقتصادی، نظامی، سیاسی و فرهنگی و آزادی از استبداد و بی‌عدالتی، یعنی تأمین عدل اسلامی. و تأمین عدل اسلامی از نظر بسیاری از آنان همان مبارزه با استثمار و غارت سرمایه‌داران و مالکان است.

طیف نیروهایی که در انقلاب ایران شرکت داشتند

طیف نیروهایی که در انقلاب ضد امپریالیستی و ضد استبدادی ایران شرکت کردند، طبقه کارگر، دهقانان، اقشار رنگارنگ خرده بورژوازی شهری و سایر گروه‌های بینا بینی و قشری از سرمایه‌داران ایران (به طور عمده سرمایه‌داری کوچک و متوسط و کشاورزی و پاکو وابسته به امپریالیسم) را در بر می‌گیرد. در میان این طیف، همان طوری که امام خمینی هم بارها و

این امتیازات را از دست بدهند ندارند. این قشرها ناراضی هستند ولی سازشکارانه و دست از باخا نمی‌کنند. آنان فقط در دوران‌های اوج مبارزات خلق علیه امپریالیسم به این مبارزه می‌پیوندند تا آن را در چهارچوب منافع خود محدود نگه دارند. بخش سوم، روحانیت مبارز، روحانیت خلقی است. این قشر از کسانی تشکیل می‌شود که پایان دادن به درد و رنج محرومان جامعه، یعنی دهقانان، کارگران، پیشه‌وران و سایر زحمتکشان شهر و روستا به صورت هدف زندگی آنان دومی‌آید. اینان نه تنها توده‌های محرومان را به مبارزه فرا می‌خوانند، بلکه خود با اینار واخودگذاشتگی در این مبارزه شرکت می‌کنند. البته این قشر از روحانیت که در انقلاب ایران به طور فعال شرکت داشت، به هیچ وجه همگون نیست و در آن دقیقاً همان طیف دیده می‌شود که در مجموعه جنبه خلق به طور علمی وجود دارد - در یک طرف این طیف عناصر رادیکال و آتش‌ناب‌ساز و ضد امپریالیست و خلقی و در طرف دیگر طیف محافظه‌کاران و منزولین قرار گرفته‌اند.

نقش این بخش از روحانیت، به ویژه در تاریخ سده‌های ششم و دهم منطقه آن، در تاریخ ایران که بزرگ‌ترین کشور شیعیه جهان است، دارای برجستگی قابل توجهی است.

این تقسیم‌بندی کاملاً طبقاتی روحانیت نظیر همان تقسیم‌بندی طبقاتی قشر روشنفکر جامعه است. روشنفکران هم از لحاظ طبقاتی قشر همگونی را تشکیل نمی‌دهند و به سه قشر روشنفکران خود فروخته به طبقات غارتگر، روشنفکران میانه‌حال و سازگار و روشنفکران انقلابی هوادار توده‌های محروم تقسیم می‌شوند.

این تقسیم‌بندی روحانیت، نه تنها در دوران پیش از پیروزی انقلاب ایران وجود داشت، بلکه هم‌اکنون پس از انقلاب نیز در جامعه ایران کاملاً مشهود است - در مین این که از لحاظ اعتقاد به مبانی ایدئولوژیک اسلامی اختلافی بین گروه‌های گوناگون روحانیت شیعیه در ایران دیده نمی‌شود، در موضع گیری‌های سیاسی و اجتماعی بخش‌ها و شخصیت‌های گوناگون آن اختلاف‌های جدی و بنیادی کاملاً مشهود و بارز است. کیست که میان موضع‌گیری سیاسی و اجتماعی مراجع مهم تقلید، مانند آیت‌الله شریعتی و آیت‌الله روحانی از یکسو و امام خمینی و آیت‌الله طالقانی و پیروان خدامام خمینی از سوی دیگر این اختلاف‌جدی را نبیند و وابستگی طبقاتی دیدگاه‌های آن‌ها را به طور روشن تشخیص ندهد.

در موضع‌گیری‌های سیاسی و اجتماعی قشرهای گوناگون روحانیت به تناسب وابستگی و هواداری هر یک از آن‌ها از منافع طبقات و قشرهای گوناگون اجتماعی می‌توان گرایش‌های مشخص طبقاتی تشخیص داد. در کنار بخشی از روحانیت ایران که هنوز هم همبستگی خود را با طبقات حاکمه رژیم سرکسون شده نگه داشته و خواب بازگشت اوضاع دوران طاغوت را می‌بیند و در چوکونی انقلاب ایران امکان فعالیت ملتی سیاسی ندارد، میان روحانیت فعال سیاسی - سگرایش مشخص می‌بینیم: گرایش اول مربوط به آن بخشی از روحانیت است که به طور مشخص در مواضع بورژوازی لیبرال قرار گرفته و از مالکیت و بهره‌کشی سرمایه‌داران و بزرگمالکان دفاع می‌کند و قوانین اسلام را در چهارچوب نگه‌داری منافع این طبقات تفسیر می‌کند. گرایش دوم مربوط به بخش دیگری از روحانیت است که در مواضع قاطع و بی‌گرایر ضد امپریالیستی قرار گرفته و از محدود کردن مالکیت سرمایه‌داری و مالکیت زمین و از محدود کردن بهره‌کشی دفاع می‌کند. این بخش نماینده منافع بخش بالایی و متوسط اقشار بینا بینی جامعه می‌باشد. گرایش سوم موضع‌گیری آن بخشی از روحانیت است که به طور بی‌گرایر از منافع توده‌های محروم ده‌ها میلیون جامعه ما جانبداری می‌کند. به این ترتیب روحانیت ایران هم با وجود این که در دوران خود دارای عوامل همبستگی است، در زمینه برخورد با مسائل اجتماعی و خواست‌های طبقاتی یکپارچه نبوده، دارای ساختار طبقاتی است.

ماهیت طبقاتی قدرت حاکمه پس از پیروزی انقلاب

یکی از ویژگی‌های انقلاب ایران این بود که در دوران گسترش جنبش انقلابی، تا پیروزی هیچ سازمان سیاسی مشخصی که دارای برنامه روشن و کادر وزیده برای پیاده‌کردن این برنامه پس از پیروزی آدامگی کافی داشته باشد، در مقام رهبری انقلاب قرار نداشت.

انقلاب ایران به صورت رشد سریع یک حالت انتقاری توده‌های میلیونی محرومان شهر و روستا و به طور عمده با رهبری امام خمینی گسترش یافت. شعارهای اساسی این جنبش عظیم میلیونی سرنگون ساختن رژیم استبدادی و چنانچه مبارزات خائنین و پایان بخشیدن به سلطه همه‌جانبه امپریالیسم امریکا و بهبود شرایط زندگی توده مردم بود.

در برابر سیل خروشان توده‌های میلیونی مردم، رژیم پرشور و پرزور و برق طاغوت در مقابل چشمان به تازده تکیه‌بانی و پشتیبانی‌ناش، یعنی طبقات حاکمه وابسته و امپریالیست‌های حامی آنان فرو ریخت و امکان آن پیدا شد که جنبش انقلابی زمام امور کشور را در دست گیرد.

در چنین شرایطی وضع نیروهای فعال سیاسی دومیدان روحانیت مبارز که به طور عمده رهبری جنبش وادردست داشت، فاقد چنین سازمان منسجم و آبدیده و کارآمد بود. گروه‌های دیگری که در جنبش فعال داشتند - یعنی گروه‌های اسلامی خلقی و گروه‌های چپ‌گرا - در فاصله کوتاه بیرون آمدن از زیر ضربه‌های اختناق پلیسی و پیروزی انقلاب هنوز فرصت جمع کردن دست‌های خود و تنظیم برنامه سیاسی و آماده کردن کادرهای لازم را پیدا نکردند.

تنها سازمان سیاسی که می‌توانست برنامه روشن دوعمه زمینه‌های زندگی اجتماعی به جامعه عرضه دارد، حزب توده ایران بود که آن‌هم به علت ۲۰ سال مبارزه در دشوارترین شرایط فشار و تعقیب رژیم اختناق و از دست دادن بخش عمده سازمان و کادرهای خود، هم‌چنین به علت جو و شش‌تک دشمنانه تبلیغاتی که علیه او، نه تنها از طرف رژیم اختناق طاغوت و امپریالیست‌ها، بلکه حتی از طرف بخشی از نیروهای انقلابی، به وجود آمده بود، نمی‌توانست در عمل نقش مؤثری داشته باشد. از سوی دیگر واقعیت این بود که با فروپزری عمده‌ترین پایه‌های رژیم سرنگون شده (ارتش یا ژاندارمری و پلیس)، قرار بسیاری از کارگزاران و مشخصین فنی و مدیریت اداری وابسته به رژیم، خلاصی در مجموعه دستگاه‌ها و اداره‌کننده کشور به وجود آمد. رژیم جدید که جانشین رژیم فرو ریخته طاغوتی شد، نه برنامه مشخص طرح‌ریزی شده در اختیار داشت و نه کادر اداره کننده.

در نتیجه این وضع و لزوم برگردن این خلاا شورای

دوستان و دشمنان انقلاب ایران

پقیه از صفحه ۳

انقلاب ، دولت موقت و يك رشته نهادهای انقلابی دیگر به‌وجود آمدند.

واقعیت‌چنین است كه در دولت‌موقت تحت تأثیر مهندس بازرگان كه مأمور تشكيل دولت گردید، نیروهای سازشكار و ناپیگیر در انقلاب و به‌ویژه نمایندگان بورژوازی لیبرال‌ایران، یعنی وابست‌ترین جناح طیف شركت‌كننده در انقلاب ضد - امپریالیستی و ضد استبدادی، وژنه‌اساسی را تشكيل می‌دادند. بخش مهمی از اعضاء دولت «كام به‌كام» مهندس بازرگان خود صاحب املاك وسیع، سهام بانكی ، كارخانه، شركت ساختمانی، شركت تجاری و خدمات و یادقیق‌تر خود از سرمایه‌داران و بزرگ‌مالكان بودند. همین‌طور بود سایر برگزیدگان دولت «كام به‌كام» مانند نژیة، مقدم مرافه‌ای و نظایران‌ها.

این دولت دارای هیچ‌گونه خصلت انقلابی نبوده و نمی‌توانست در راه تثبیت و تحكیم و گسترش انقلاب حكام برآورد. وجود افرادی مانند امیرانظام ، یعنی عوامل مستقیم امپریالیسم امریکا و عواملی از وابستگان به‌رژیم گذشته مانند اردلان و ... در پست‌های حساس-سازشکاری و تسلیع‌طلبی دولت را نسبت به‌امپریالیسم‌وتنش‌ترموكننده‌اش را در جریان‌تحكیم پیروزی‌های انقلاب به‌میزان زیادی تشدید می‌كرد.

این دولت «كام به‌كام» به‌طورعمده‌واساسی در چهارچوب تكداری و تثبیت همه‌جانبه نظام سرمایه‌داری و تجدیدمناسبات سنتی باجهان‌امپریالیستی‌الیت‌ها در نظر گرفتن محدودیت‌هایی برای غارت امپریالیستی و سرمایه‌های‌ایرانی وابسته به آن‌عمل می‌كرد و از همان آغاز عملا به‌نرمزی در جریان گسترش‌پیروزی انقلاب تبدیل شد.

دولت موقت در دیون خود نیز ناهمگون بود و هرگز نمی‌توانست‌در هیچ‌مسئله‌اساسی‌دژزمینه‌های سیاسی‌وانتصادی و حتی تأمین امنیت اجتماعی به‌نظریات تملعی برسد.

شورای انقلاب مهم‌ترین و پرمشولیت‌ترین نهادهای انقلاب است . تركیب اولیه و تغییرات بعدی شورای انقلاب هنوز شناخته نشده است . آن‌چه می‌توان به‌طوركلی‌درباره ماهیت طبقاتی و سمت‌گیری آن بیان كرده این است‌كه در زمینه‌تكداری‌و گسترش‌دست‌آورد‌های انقلاب ضد‌امپریالیستی و خلقی این شورا، چه‌پیش از ادغام بادولت موقت، چه‌پس‌از ادغام ، به‌طور عمده نسبت به‌دولت موقت دمواسمی‌پی‌گیرتر و قاطع‌تر قرار داشته است.

تصمیمات این شورا در زمینه ملی‌كردن بانك‌ها و كارخانجات و موسسات متعلق به‌وابستگان رژیم طاغوتی، و انجام اصلاحات‌ارشی به‌سود دهقانان بی‌زمین و كم‌زمین و هم‌چنین تصمیم درباره سلب مالكیت از زمین‌های موات شهری، تصمیماتی است دارای محتوای طبقاتی برای محدود كردن‌كلان سرمایه‌داری وابسته و بزرگ مالکی . درباره محدود كردن امكانات‌غارنكری سرمایه‌داری‌تجاری وابسته به‌امپریالیسم‌هنوز تصمیمی جدی گرفته نشده است. بگانه تصمیم در این‌زمینه یعنی ملی كردن تجارت خارجی باوجودی كه در قانون اساسی قید شده است، هنوز از مرحله حرف به‌عمل وارد نشده است‌و تنظیم لایحه تشكيل مراكز تهیه و توزیع كالا، از طرف‌وزارت بازرگانی، عملا به‌معنای تثبیت‌موقیت‌سرمایه‌داری تجاری‌وابسته است.

آن اقدامات و این ناپیگیری هردو ناشی از تركیب و موضع‌گیری طبقاتی ناهمگون شورای انقلاب است. شورای انقلاب نماینده بخش عمده رهبری جنبش است كه از لحاظ طبقاتی در چهارچوب جناح‌های انقلابی انتشار بینابینی جامعه قرار می‌گیرند و در حقیقت نماینده مجموعه طیف دموكراسی انقلابی جامعه ایران می‌باشند. در تركیب شورای انقلاب به‌ویژه پس از ادغام با اعضا دولت موقت عناصری از نمایندگان بورژوازی لیبرال شركت دارند و تأثیر ملایم‌كننده وترموكننده خود را در مجموعه تصمیمات شورای انقلاب باقی می‌گذارند. به‌طور خلاصه می‌توان گفت كه رهنمودهای امام‌خینی، شورای انقلاب را به‌سوی اتخاذ تصمیمات پی‌گیرتر و قاطع‌تر خلقی سوق می‌دهد و عوامل وابسته‌به‌بورژوازی لیبرال از داخل و خارج شورای انقلاب انخا از این تصمیمات را كندوگامی خشی می‌سازد .

به‌موازات شورای انقلاب و دولت موقت ، روی ضرورت تاریخی و اجتماعی يك سلسله‌نهادهای انقلابی دیگر هم‌به‌وجود آمدند. نهادهایی مانند سپاه پاسداران ، كیته‌ها ، دادگاه‌های انقلاب ، بنگاه مستضعفین ، بنیاد مسكن كه در عمل انجام آن وظایف انقلابی را به‌عمده گرفتند كه دولت «كام‌به‌كام» بسا سیاست سازشكارانه‌اش قادر به‌انجام آن‌ها نبود.

البته امروز دیگر مسلم است كه از همان آغاز پیدایش و شكل‌گیری این نهادهای انقلابی ، هم عناصر فرصت‌طلب و سودجو و هم عناصر ضد انقلاب كوشیده‌اند در این نهادهای پایگاه‌های مطمئنی برای خود اوردن‌واژان به‌سود هدف‌های سودجویانه و یا خرابكارانه خود بهره‌گیری كنند. ولی علیرغم این واقعیت غیرقابل انكار ، اقدامات این‌نهادهای انقلابی به‌طور عمده و تمییز كننده در جهت تثبیت و تحكیم انقلاب ، یعنی در جهت خواست‌های خلق بوده است. درست است كه در بسیاری از زمینه‌ها، چه در زمینه‌تصفیق و دستگیری وابستگان به‌رژیم سرگون شده و چه در زمینه محاكمه و مجازات‌جنایت‌كاران، دركنار اقدامات و تصمیمات قاطع، كوتاهی‌ها، افشاش‌ها و گاه حتی نمونه‌هایی از بروز فساد دیده می‌شود ولی به‌طور عمده و در مجموع اقدامات این نهادهادر ایسن زمینه‌ها مثبت بوده است.

این وضع كلالا ناشی از تركیب و موضع‌گیری طبقاتی نیروهای است كه در این نهادها شركت دارند و عمل می‌كنند. رهبری این نهادها به‌طور عمده و تقریبا بلامنازع در دست روحانیت است و دوست به‌همین علت هم در عمل كرد ایسن نهادهاء چه در چهارچوب يك‌نهاده‌وچه‌در صحنه پهناور تمام‌كشور به‌خوبی بازتاب موضع‌گیری طبقاتی كه در طیف روحانیت مورد تحلیل قرار گرفت دیده می‌شود. در همه این نهادهاء مبارزه بین گرایش‌های گوناگون ، از همان آغاز پیدایش و در تمام دوران فعالیتشان ، به‌طور جدی درگیر است. تضادها و تناقضاتی كه در عمل‌كرد این نهادهاء هم در دوره‌های مختلف زمانی و هم در ارتباط با استان‌ها وبخش‌هادر سراسر كشور دیده می‌شود، به همین مبارزه و همان گرایش‌های طبقاتی در مجموعه طیف روحانیت بستگی دارد.

تضاد بین نهادهای خلقی انقلاب ودولت موقت

پروسی علمی تحولات سال ۱۳۵۸ ما را به‌این نتیجه‌می‌

نامه فرم ۱۰

انكان كنونی حزب توده ایران

نامت

نامت

نامت

نامت

نامت

نامت

نامت

نامت

نامت

نامت

نامت

نامت

نامت

نامت

نامت

نامت

نامت

نامت

نامت

نامت

نامت

نامت

نامت

نامت

نامت

نامت

نامت

نامت

نامت

نامت

نامت

نامت

نامت

نامت

نامت

نامت

نامت

نامت

نامت

نامت

نامت

نامت

نامت

نامت

نامت

نامت

نامت

نامت

نامت

نامت

نامت

نامت

نامت

نامت

نامت

نامت

نامت

نامت

نامت

نامت

نامت

نامت

نامت

نامت

نامت

نامت

نامت

نامت

نامت

نامت

نامت

نامت

نامت

نامت

نامت

نامت

نامت

نامت

نامت

نامت

نامت

نامت

نامت

نامت

نامت

نامت

نامت

نامت

نامت

نامت

نامت

نامت

نامت

نامت

نامت

نامت

نامت

نامت

نامت

نامت

نامت

نامت

نامت

نامت

نامت

نامت

نامت

نامت

نامت

نامت

نامت

نامت

نامت

نامت

نامت

نامت

نامت

نامت

نامت

نامت

نامت

نامت

نامت

نامت

نامت

نامت

نامت

نامت

نامت

نامت

نامت

نامت

نامت

نامت

نامت

نامت

نامت

نامت

نامت

نامت

نامت

نامت

نامت

نامت

نامت

نامت

نامت

نامت

نامت

نامت

نامت

نامت

نامت

نامت

نامت

نامت

نامت

نامت

نامت

نامت

نامت

نامت

نامت

نامت

نامت

نامت

نامت

نامت

نامت

نامت

نامت

نامت

نامت

نامت

شماره ۴۷۳

دوره هفتم - سال دوم

و اسرائیل و ژاپن و استرالیا، دشمن شماره يك انقلاب‌ایران و همه زحمتكشان جهان است ، مورد تائید همه‌نیروهای ملی ایران است.

ولی متأسفانه هنوز همه مبارزان ضد امپریالیسم‌امریكا این واقعیت را درك نكرده‌اند كه جبهه امپریالیسم جهانی و ارنجاع‌وابسته‌به‌آن دموپراطیةعلاءب انقلاب‌هایی‌كه‌اداری‌سمت‌گیری جدی‌ضدامپریالیستی وخلقی هستند جبهه‌متحدی‌است و ایسن جبهه ، علیرغم تضادها و تناقضاتی كه برآثر برخورد منافع این كوسه‌های غارتگر به‌وجود می‌آید، آن‌جا كه منافع طبقاتی مجموع آنان مورد تهدید جدی قرار گیرد، يك‌بارپاچه با چنگ‌و دندان علیه‌این خطر خواهد چنگید .

كنفرانس اخیر تهران‌كه هدفش افشا جنایات امپریالیسم امریكایبود، به خوبی نشان‌داد كه چه نیروهایی در دنیا واقعا دوست و پشتیبان‌انقلاب‌ایراند و چه‌نیروهایی در ضد‌دشمنان انقلاب ما قرار دارند.

ولی درباره این كه‌همدستان امپریالیسم امریكایچه‌كسانی هستند و پایگاه امپریالیسم دردیون كشور در میان كدام طبقات و گروه‌ها قرار دارد، شناخت یكسان و همگون وچسود ندارد. بسیاری از مبارزان تنهادودعان‌پهلوی و عناصروگروه‌های وابسته و سرسپرده‌به‌آن‌مانند ساواکی‌ها و افسران سرسپرده نیروهای انتظامی را پایگاه امپریالیسم به‌شمار می‌آورند. این اشتباه بزرگ و خطرناکی است . در نتیجه همین اشتباه است كه وابستگان به‌طبقات حاكم كه پایگاه رژیم طاغوتی را تشكيل می‌دادند ، می‌توانند باتفصیرمسلك و گرفتن قیافه ظاهرا اسلامی خود را از گزند مصون‌دارند (متأسفانه) تا حدودی هم موفق شده‌اند) و با‌بردم‌فریبی تازه به‌تجدید سازمان ضدانقلاب بپردازند.

جریان پیدایش ، كامل و سرنوشت حزب جمهوری خلق مسلمان كه مسلمان‌ریشه‌اش را باید در میان كلان‌سرمایه داران وابسته بازار تهران و تبریز جستجو كردودرهمه شهرهای دیگر كشور كم‌وبیش هواداران و هم‌دستانی داشته و دارد،موید این حقیقت است . واقعیت این است كه همین حزب‌جمهوری خلق مسلمان و گردانندگان پشت پرده آن مانندنژیة و مقدم مرافه‌ای ، هم از‌طرف مقامات پسیدار عالی مقام روحانیت و پالیزیان و اویسی و افسران شاه‌پرست و كومه صمیمانسه همكاری می‌كنند.

خط قرمز جداكننده دشمنان انقلاب ائزیریوهای متزاول و از پشتیبانان انقلاب يك مرز طبقاتی است، نه يك مرز مسلكی و مذهبی .

سرمایه‌داران بزرگ و بزرگ‌مالكان كه پایگاه طبقاتی رژیم وابسته استبداد سلطنتی بوده‌اند ، هم‌چنان به‌عنوان پایگاه طبقاتی ضد انقلاب ، دشمن اصلی و آشتی ناپذیر انقلاب ایران باقی مانده‌اند.ممکن‌است در میان‌آنان «عناصر استثنایی» پیدا شوند كه برخلاف منافع طبقاتی خود، در هم پشتیبانان انقلاب قرار گیرند، ولی در حرسوت این‌ها عناصراستثنایی هستند . مسما در بازار ایران هستند سرمایه‌داران‌متحمدي كه از خط ضد امپریالیستی و خلقی امام‌خینی تلافی‌كند «كیسه خودشان به‌خطر نیفتاده است ، پشتیبانی نمایند، ولی این قانون نیست ، نیخی بازار ایران در دست‌ان‌كلان‌سرمایه داران است كه در دوران انقلاب با‌بره‌گیری از دشواری‌ها ومحدودیت‌هاومحرمیت‌ها،ازراه احتكاروبالا‌بردن قیمت‌میلیاردها و میلیاردها،ودسترئج زحمتكشان‌ایران‌به‌جیب‌خودسرازپیركرده‌اند، همان‌بازاری كه‌امام‌خینی آن‌را هنوزبازار طاغوتی می‌داند. بقایای طبقات حاكمه رژیم‌سرتگون شده‌نهاد و «بازاره یعنی در بخش سرمایه‌داری وابسته نیست، بلکه‌طبقه كلان سرمایه‌داران به‌عنوان طبقه هنوز در ایران وجود دارد و اكثر كانخشینان را تشكيل می‌دهد. درست است كه حاكمیت انقلابی تاحدودی «ایزآر‌كار»این طبقه،یعنی‌كارخانه‌ها وبانك‌هادر اژدست آن بیرون آورد، ولی‌این طبقه هنوز بی‌سلح نیست ، هنوزبخش مهم مدیریت همان بانك‌ها، همان تأسیسات صنعتی در دست عوامل همان طبقات حاكمه است. علاوه براین بسیاری از‌آنها‌ها توانسته‌اند با تغییر قیافه و استفاده از ریش ولبسبح در نهادهای انقلابی راه پیداكندوهمان طرز كه امام خینی پادآور شدند، بنگاه مستضعفین را به‌بنگاه مستكبرین میل سازند.

بزرگ‌ترین پایگاه طبقاتی دشمنان «ایرانی» انقلاب ایران راه‌چه در خارج ایران وجه‌در داخل‌ایران ، باید در میسان بقایای طبقات كلان سرمایه‌داران وابسته و بزرگ‌مالكان‌جستجو كرد. تا این طبقات درهمه زمینه‌ها، هم از لحاظ اقتصادی ، هم از لحاظ سیاسی وهم‌از لحاظ فرهنگی خلق‌سلح نشوند مانند مار در آستین انقلابی خف كرده‌بانی می‌مانند.

نیروی فعال ضد انقلاب كه اكثرا از مزدوران هستند و به‌دست گردانندگان رژیم سرتگون شده اداره وسازمان داده می‌شوند ، در داخل كشور به‌همین بقایای طبقات حاكمه رژیم گذشته متكى هستند. اكثر كاخ‌های شمال شهرمرکز توشه‌های ضد انقلابی است .

نیروهای متزاول . در میان ضد انقلاب و انقلاب در میهن ما، طیف قابل‌توجه و با نفوذی قرار گرفته است. در يك طرف این طیف بورژوازی لیبرال ، یعنی آن بخشی ازبورژوازی قرار دارد، كه طرف‌نادر محدود كردن غارت امپریالیستی و بیرون آوردن قدرت حاكمه از دست استبداد سلطنتی بود ، ولی حاضر نبود ازاین حده پا فراتر بگذارد. آنان رژیم‌گذشته‌را، در چهارچوب قانون اساسی ، بدون شاه ، ولی با حفظ تمام ستون‌های آن (همان ارتش ، همان مستشاران ، همان پلیس ، همان ساواك ، ولی‌كمی‌تغییر شكل‌یافته) آرزو می‌كردند. دوطرف دیگر این طیف ، خرده‌بورژوازی مرنه قرار گرفته‌است، كه در دوران طاغوت از امتیازات زیادی برخوردار بود. ولی اكنون می‌بینند كه اگر سمت‌گیری خلقی انقلاب پیشرفت‌های جدی پیدا كند، بخشی از این‌امتیازات را اژدست خواهد‌داد. این طیف میان انقلاب و ضد انقلاب در تزلزل و نوسان است . از بازگشت كامل رژیم گذشته با شاه واویسی وبختیار وساواکی‌ها و غارت‌بریندوبارامپریالیستی كه همراه آن‌خواهد آمد، وحشت دارد، و در عین حال از عمیق‌تر شدن انقلاب‌هم، همان‌قدر و شاید هم‌بیشتر،می‌ترسد، این طیف‌نام سرمایه‌داری ملی ایران‌را دوبرمی‌گیرد.

ضد انقلاب به‌نامی این طیف به‌عنوان ذخیره بالقوه خود نگاه می‌كند‌ووری آن حساب می‌كند. ولی نیروهای انقلاب هم می‌توانند ، در صورت اتخاذ سیاست درست ، بخشی ازاین طیف را به‌موضع‌گیری مثبت وبخش‌دیگرا به‌موضع‌گیری‌بی‌طرف وادارند و آن‌ها را از جناح راست طیف كه‌همان بورژوازی لیبرال سازشكار است، جدا سازند.

نبرد سیاسی برای جلب و با‌ی‌طری‌نگه‌داشتن نیروهای بینابینی یکی از مهم‌ترین نبردهای دوران آنت‌نشانی جنبش انقلابی است .-اشتباه دراین نبرد می‌تواند پیامدهای‌بسیار

پقیه در صفحه ۱۵

برقرار باد اتحاد همه نیروهای ضدامپریالیستی و دمکراتیک ایران در جبهه متحد خلق

ضرورت گشایش دانشگاهها پس از تعطیلات تابستانی

درباره گشایش ویا تعطیل دانشگاهها اقوال ضدونقیض فراوان است، درحالیکه رئیس جمهور تعطیل دانشگاهها را شایع میداند، کسانی حتی در ترکیب هیئت هفت نفری مأمور تدوین برنامه انقلاب فرهنگی، امکان تعطیل دانشگاهها را به مدت ۳ تا ۴ سال بعید نمی‌شمارند.

استدلال موافقان تعطیل دانشگاهها، گونه‌گون است. عده‌ای معتقدند، تا تدوین کامل برنامه آموزشی، دانشگاهها تعطیل خواهند ماند. عده‌ای دیگر میگویند دانشگاهها باید طرز تفکر خود را تغییر دهند، زیرا جامعه انتظار دارد که روحیه اسلامی در دانشگاهها حاکم باشد. جمعی دیگر، از جمله صدای جمهوری اسلامی ایران، استدلال میکنند که در کشورهای دیگری نظیر چین و کوبا و الجزیره، دانشگاهها برای چندین سال تعطیل ماندند و هیچ حادثه‌ای هم رخ نداد! گوینده صدای جمهوری اسلامی ایران مدعی است که در کوبا درهای دانشگاهها به مدت هشت سال بسته ماند!

در پاسخ به این آخرین استدلال باید گفت که در میان این سه کشور، فقط در چین بود که بنام «انقلاب فرهنگی» - که هدف اصلی آن حل مسئله تحکیم قدرت به‌سود گروه مائوتسه دون بود - در واقع همه کشور را بهم ریختند و از جمله دانش‌جویان را بجان هم انداختند، دانشگاهها را بستند و... ولی اقداماتی که بنام «انقلاب فرهنگی» در چین انجام شد اینک حتی مورد انتقاد رهبری کونی چین است و بر زیان‌های فراوانی که در نتیجه «انقلاب فرهنگی» در اقتصاد و فرهنگ کشور بیار آمد، بارها تاکید شده است.

آنگون از منبر صدای جمهوری اسلامی ایران سؤال میکنند:

چه ضرورتی ایجاد میکند که اقدامات نادرست، زیانبخش و شکست خورده رهبری گذشته چین را تقلید کنیم؟ چرا نباید از آن شکست درس بگیریم؟ چرا باید یک اقدام پند فرجام را الگوی کار خود قرار دهیم؟

و اما در کوبا هرگز دانشگاهها تعطیل نماند، کوبای - سوسیالیستی از همان نخستین سال پس از انقلاب، گروه گروه دانشجو به کشورهای سوسیالیستی و در حال رشد اعزام داشت و در داخل کشور نیز دانشگاهها گشوده ماندند.

این استدلال که دانشگاههای بلور علم باید طرز تفکر خود را تغییر دهند، پیچرو

پذیرفتنی نیست. زیرا اولاً دانشگاهیان دارای طرز تفکر همگون نیستند. در میان این فشر روشنفکر، همه‌گونه طرز تفکر و موضع سیاسی وجود دارد. از معتقدان به مکتب مارکسیسم، لیبرالیسم، اسلامی و نیکماتپ ارتجاعی و وابستگی، بنابراین نمیتوان از دانشگاهیان بشماره صاحبان جهان‌بینی واحد و مواضع سیاسی واحد سخن گفت. در میان این طیف وسیع ایدئولوژی آنچه باید طرد شود و راه به دانشگاه نباید، آن ایدئولوژی است که از سلطه امپریالیسم و ارتجاع دفاع کند. هوادار رژیم‌فاشیستی باشد، فرهنگ منحل و مبتذل سرمایه‌داری را تبلیغ کند و به انقلاب ما بی‌بازور و بی‌اعتقاد باشد. این ایدئولوژی متعلق به ضدانقلاب است و باید بدون شک و یی پرور گردد از صحنه دانشگاه طرد شود و امکان تبلیغ نظریات ارتجاعی خود را نیابد. جز این گروه مخرب و توطئه‌گر ضدانقلابی، تمام ایدئولوژی‌ها می‌توانند در دانشگاه در کنار هم زیست کنند، باهم رابطه برقرار کنند، بشنوند و بگویند، قانع کنند و قانع شوند.

گذشته از این، راه انجام انقلاب فرهنگی با این محتوی، توسل به تازیانه و چماق نیست و در یکسال و دو سال نمیتوان در اندیشه‌ها انقلاب پدید آورد. این روندی است طولانی، که فقط تغییرات زیربنایی جامعه، زمینه عینی تحول در اندیشه‌ها را فراهم میسازد. هر راهی جز این، به شکست

از انتشارات حزب توده ایران منتشر شد

ل. مارکس، ف. انگلس «مانیفست حزب کمونیست» ترجمه جدید از محمد پورهمزان

تجربه ۲۸ مرداد (نظری به تاریخ‌چینی ملی شدن نفت ایران) ف. م. جوانشیر

وضع طبقاتی جامعه ایران و گروه‌های سیاسی پرورش و پاسخ ۱۰ نورالدین کیانوری

درجهان سوسیالیسم

جمهوری سوسیالیستی رومانی با ۱۲٪ در صدر رشد سالانه در تولیدات صنعتی، همچنان پیش میرود

در جمهوری سوسیالیستی رومانی:

- تولید ناخالص صنعتی در سال ۱۳۵۹، ۵۳ برابر یکباره مشابه در سال ۱۳۱۷ است.
- میان سالهای ۱۳۲۹ و ۱۳۵۷، آهنگ رشد سالانه تولید صنعتی، ۱۲/۷ درصد بود. رومانی از این لحاظ، یکی از کشورهای ملایم‌ترین رشد جهان بشمار میرود.
- تولید کشاورزی در سالهای ۵۷ - ۱۳۲۹، سالانه ۴/۵ درصد رشد یافت و ۳/۴۶ برابر شد.
- درآمد ملی سرانه در سال ۱۳۵۷، ۱۰ برابر در مشابه در سال ۱۳۲۹ بود.
- دستمزدها و حقوقها در سالهای ۵۷ - ۱۳۲۹، هفتاد برابر شد.
- ۱۵ میلیون نفر در خانه‌های زندگی میکنند، که در ظرف ۳۰ سال اخیر احداث گشته است. پیش‌بینی می‌کند، که در سال ۱۳۶۴، تنها ۶ درصد خانه‌های رومانی، پیش از ۱ شهریور ۱۳۳۶ ساخته شده باشد.

درجهان سرمایه‌داری

تعلیم نظامیان کشورهای وابسته در ایالات متحده آمریکا

«تعلیم و همپا در نظامیان کشورهای وابسته، همیشه یکی از عناصر عمده سیاست نواستعماری امپریالیسم ایالات متحده بوده است. در بودجه‌های آمریکا در سالهای ۵۵ - ۱۳۲۹، زیر عنوان «آموزش پرسنل نظامی خارجی»، ارقام زیر نمایان میشود:

کشور	شماره تعلیم‌دیدگان نظامی
افغانستان	۴۵۳
عربستان سعودی	۱۲۲۵
پاکستان	۶۶۹۹
ایران	۱۱۲۵
ترکیه	۱۹۱۵۰

حزب توده ایران به اعتقادات مذهبی مردم عمیقاً احترام می‌گذارد

نامه «مردم» ما با چاپ این خواست بها و مبرم نویسنده نامه، از مقامات صلاحیت‌دار و مشول می‌طلبیم که این مشکل هزاران انسان زحمتکش ساکن این مناطق را برطرف سازند.

شعرهای رسیده:

شعر «همه با هم» از ه. رودسری، شعر «بیاد شهیدان حزب» از سپیده، ق. دوسرود «توده‌ای‌های جوان» و «سایه یکر شوم» از ص.ح. از سیف‌الله، شعر «بیاد روزبه» و «حزب» و از مؤتمنی سروده‌ای بنام «شهید قهرمان» رسیده. از همه این دوستان عزیز سپاسگزاریم.

دیگر نامه‌های رسیده:

دوست عزیز هانی داستان چند برگه‌ی شما در شماره رخدادهای ۱۷ شهریور، م.خ. کاوه نامه شما همراه شعر «همه فرزندانه» فدن، نامه‌های جاری تذکره خبرکاران در روز اخبار صحیح از بالمر رسیده. از همه این دوستان سپاسگزاریم.

دوستان بسیاری برای ما کارکنان و فرستاده‌اند از آنجمله: آتش از امروان، احمدش، از مشهد، سهرین از قوچان، یوسف، پ. از سیاه، اسطخ خشکیچهار، و عزیز، از اسفهان، از همه این دوستان نیز متشکریم.

که من بملت بسیاری چندین ساله قادر به ادامه خدمت به حزب نیستم، اما از حزب دفاع خواهم کرد و به‌همایم رانوشوق می‌کنم راه این حزب انسان‌ساز را پیش بگیرم.

نامه «مردم» - آری، بنظر ما قضاوت این کارگر آگاه، مسلمان درباره حزب توده ایران نیاز به تفسیر ندارد.

خواستهای اهالی اسلام‌شهر

خواننده‌ای طای فای نامه خود با عنوان «خواستهای اهالی اسلام‌شهر» می‌نویسد: «ما اهالی اسلام‌شهر (باغ‌فیش سابق)، شادشهر، مهدیه (زاهدی سابق) از مقامات مشول می‌خواهیم که به خواست بحق زحمتکشان و روستائیان این منطقه رسیدگی کنند.

این منطقه یکی از پر نفوس‌ترین مناطق کارکنان نشین واقع در جاده ساوه است. بارها مردم این منطقه از مقامات مملکتی خواستار ایجاد یک سرویس اتوبوسرانی واحد و تلفن همگانی شده‌اند، ولی با وجود تقاضاهای بسیار تاکنون هیچ‌گونه توجهی بدین امر نشده است. در حال حاضر مینی‌بوس‌های کرایه وسیله ایاب و ذهاب است، ولی با توجه به نرخ و زمان حرکت این ماشین‌ها که تابع صاحبان آنهاست، مردم با مشکلات فراوانی روبرو هستند.»

نامه مردم

مردمی‌خود، در دل مسلمانان صادق و مبارز چا دارد... چندی پیش به‌خانه یکی از دوستان رفیق، با پدر دوستم از مدتها قبل آشنا بودم و میدانستم او کارگری عیقا مذهبی و مردم‌دوست است و سابق مبارزاتی فراوانی در کارخانه دخانیات دارد. به صحبت نشستم، حرف‌از سیاست احزاب و سازمانها پیش آمد، و به حزب توده ایران کشیده شد.

پدر دوستم با عطفی پدران در دهانه حزب توده ایران بر این حرف می‌زد و با زبان ساده کلام گویا می‌گفت:

«آزاد می‌کنم حزب توده ایران این روزها، چون این حزب، تنها حزبی است که برای اعتقادات مذهبی مردم احترام قائل است و قادر است سادات توده‌های زحمتکش ایران را تأمین کند. برای همین حالا به نمایندگی گاش رای داده‌ام...»

و بعد از صحبت بسیار، هنگام خداحافظی گفت:

«سلام مرا به دکتی کیا نوری برسانید و بگویند

جهت بهبود وضع عل و زبوردادان پیشنهاد می‌کنم:

الف - با توجه به شرایط اقلی ملکه‌های اصیل پرورش داده شود.

ب - راه‌های درآمدت با بهره‌کم در اختیار پرورش دهندگان زحمتکش قرار داده شود.

ج - تولید کنندگان داخلی تشویق شوند.

نامه «مردم» - زبورداداری و تولید عمل نیز همانند دیگر رشته‌های تولیدی در قید وابستگی به امپریالیسم قرار داشته و دارد. اینک به بهرکت انقلاب ضد امپریالیستی باید این زنجیرهای اسارت را فروریزم. ما از مقامات مشول جمهوری اسلامی خواهان بررسی و اقدامات مؤثر بخاطر براندازی نفوذ امپریالیسم از این پهنه و پایداری هر چه بیشتر به زبوردادان برای بالا بردن تولید داخلی هستیم.

حزب توده ایران در دل مسلمانان صادق و مبارز جادارد.

رفیق من بیان سیر مطالعاتی خود بر گزینی را در حزب، حزب توده ایران می‌نویسد:

حزب توده ایران، نظریه مشی اصولی و

به وضع زبوردادان رسیدگی کنید

ج.م.، از دوستان در نامه مفصل خود در مورد سیاست امپریالیستی که توسط رژیم پهلوی در مورد زبورداداری اعمال گردیده می‌نویسد:

... مسئله زبورداداری مانند سایر امور صنعتی و تجاری وابسته به غرب، که دود آن سالها به چشم زبوردادان زحمتکش ایران میرود... از سال ۱۳۳۹ که زبورداداری از صورت سنتی خارج گردید و به صورت علمی درآمد، ورود زبوردادان های ملکه نسبتاً اصیل آمریکایی به ایران سرازیر شد. با گذشت دو سال، تازده محلی و بومی متفرق شد، و دیگر در موقع نیاز از ارسال زبوردادان ملکه خودداری کردند... و بعد از چندی سوداگران ملکه زبوردادان کشور استرالیا و اسرائیل وارد و تسل تازده ملکه‌های فوق‌نیز متفرق شد و در پی آن زبوردادان دچار خسارات جبران‌ناپذیر شدند. دولت تصمیم گرفت به زبوردادان از طریق اعطای وام یاری رساند. در این میان عده‌ای از سرمایه‌داران کلان با کرایه کردن کشتو توانستند وام های ۶۰۰ الی ۷۰۰ هزار تومانی دریافت کنند، در صورتیکه به زبوردادان که نه کار و نه سرمایه‌ای داشتند و وامی پرداخته شد از ۱۱ الی ۱۵ هزار تومان تجاوز نمی‌کرد... اینک اینجانب بیست سال است که به این شغل پرداخته و به آن عشق می‌ورزم... و

گرانی روز افزون هزینه زندگی بر دوش زحمتکشان سنگینی می‌کند. زحمتکشان را باید با تصمیمات فوری و قاطع انقلابی از زیر این بار نجات داد.

قطع اضافه کاری و تقلیل حق مسکن زحمتکشان دردی را دوانمی کند!

تجویز مسکن‌های بی‌ثمر، نابسامانی‌های اجتماعی را
مزمین می‌کند!

سوتی به نارضایتی‌ها دامن می‌زند و از سوی دیگر خواهان‌خواه میدان عمل را برای ضدانقلاب بازی می‌کند. آیا این تصمیم اخیر دولت به نفع زحمتکشان کشور ما است؟ نمونه دیگر: در پی قطع اضافه کاری در کارخانه چیت تهران، کارگران شدیداً نسبت به این تصمیم و همچنین تقلیل حق مسکن اعتراض کردند، و بعضی از نسبتاً پهلوت علم حضور کارگران در سر کار، پخل تقلیل در آمد، بدیهی است در صورت تکرار این امر، ملمه شدیدی به تولید پارچه وارد خواهد شد.

زحمتکشان کشور ما به انقلاب شکوهمندی که خود بانی آن بودند، چشم امید بستند و از مسئولین امر انتظار دارند که در درجه اول فکری به حال آنها شود.

زحمتکشان سالها است که گوششان از شنیدن وعده و وعده‌ها پر شده است و اکنون خواستار آنند که مسئولین امر کمتر حرف بزنند و بیشتر عمل کنند. چون آنها زمانی به حرفهای مسئولین گوش فرا خواهند داد، که باتمام وجود خود احساس کنند گذشته‌ها، هم، هرچند ناچیز، در راه بهبود وضع زندگی آنها برداشته شده است. تنها با لس کردن این مسئله است که به آینده خود امیدوار خواهند شد.

زحمتکشان در صورتی حاضر به قطع اضافه کاری خود هستند، که در مقابل نرخ اجاره‌خانه‌ها و اجناس مورد نیاز پائین بیایند، آموزش و پرورش و بهداشت رایگان شود و به عبارت دیگر سیستم فعلی بکلی دگرگون شود. آن وقت است که مسئله اضافه کاری و تقلیل حق مسکن وسائل از این قبیل خود بخود حل خواهد شد.

دیال هم بجائی نمی‌رسد، با مقایسه‌ای کوتاه نسبت به میزان افزایش بهای اجناس فقط در طی یکسال گذشته، باین نتیجه خواهیم رسید که قیمت برخی از اجناس حتی بیش از ۲۰۰ درصد افزایش پیدا کرده است و آنوقت خواهیم دید که قطع پرداخت اضافه کاری تا چه حد در زندگی طبقات محروم جامعه موثر واقع شده است.

بمنوان نمونه گوشت گوسفند در سال گذشته کیلویی ۱۳۰ ریال بود، در حالیکه اسال ۳۰۰ ریال است. تازه اگر امکان دسترسی به آن باشد، چون برای تهیه این گوشت باید مردم مدتاً در صف طویل بایستند تا بتوانند سهمیه خود را دریافت کنند.

یکی از کارگران مجتمع دام پروری رشت درمورد قطع اضافه کاری می‌گفت:

«با اجرای قانون جدید، کاری که در مجموع با مزایا و منفای کارگران به ازای روزانه کار (۸ ساعت) جایگزینی نیازهای گوناگون آنان باشد، گرانی پیدا میکند و روز بروز بر قیمت اوراق عمومی افزوده میشود و در مقابل حقوق کارگران و کارمندان همچنان در سطح ناچیزی قرار دارد.

قطع پرداخت اضافه کاری بیشتر از هر چیز برای طبقه زحمت کش محسوس است، چون گرانی هزینه زندگی بیشتر بر روی دوش زحمتکشان سنگینی میکند.

دولت به عوض اینکه با بالا بردن سطح دستمزدها تا اندازه‌ای به زندگی زحمتکشان سرسوزی بدهد، برعکس، باعث شده که فشار مضاعفی به آنها وارد شود. (قطع مزایا از یکطرفه افزایش بهای اجناس از طرف دیگر). دولت با این کار غیراصولی خود از

چندی پیش دفتر ریاست جمهوری ملی پخشنامه شماره ۱۶۹۰ مورخ ۱۳۵۹/۲/۳۱ که قیلاً به تسویب شورای انقلاب رسیده بود دستور لغو پرداخت هرگونه اضافه کاری و تقلیل هزینه مسکن را صادر کرد.

در پی اعلام این دستور، کارگران و کارمندان زبان به اعتراض گشودند و حتی درموردی کار به دامپیمان و تحصن انجامید، بعنوان نمونه: کارگران مجتمع دام پروری سپیدرود رشت، روز ۲۳/۲/۵۹، متعاقب مذاکراتی که با مدیرعامل این مجتمع در زمینه پخشنامه جدید شورای انقلاب به عمل آورده، چون به نتیجه مطلوبی دست نیافتند، دست به راهپیمائی زدند.

در این شرایط که گرانی سرسام‌آور هزینه زندگی جان مردم را به لب رسانده است، قطع اضافه کاری اقدامی پسندیده نیست، مگر این که میزان دستمزد و مزایای کارگران به ازای روزانه کار (۸ ساعت) جایگزینی نیازهای گوناگون آنان باشد، گرانی پیدا میکند و روز بروز بر قیمت اوراق عمومی افزوده میشود و در مقابل حقوق کارگران و کارمندان همچنان در سطح ناچیزی قرار دارد.

قطع پرداخت اضافه کاری بیشتر از هر چیز برای طبقه زحمت کش محسوس است، چون گرانی هزینه زندگی بیشتر بر روی دوش زحمتکشان سنگینی میکند.

دولت به عوض اینکه با بالا بردن سطح دستمزدها تا اندازه‌ای به زندگی زحمتکشان سرسوزی بدهد، برعکس، باعث شده که فشار مضاعفی به آنها وارد شود. (قطع مزایا از یکطرفه افزایش بهای اجناس از طرف دیگر). دولت با این کار غیراصولی خود از

مدیران کارگاه : شورا فقط جنبه تشریفاتی دارد

کار نصب دستگاههای شرکت نساجی بابکان را هر چه زودتر انجام دهید!

کردند. این نمایندگان توانستند با پیگیری زیاد به برخی از خواستهای کارگران جامعه عمل ببوشانند. پس از پیروزی انقلاب، در کارخانه شورا تشکیل شد و ولی مدیران شرکت اجازه هیچگونه مداخله‌ای در کارهای شرکت را به شورا ندادند. هر وقت شورا در صدد نظارت بر کارها برآمد، مدیران کارگاه، که منتخب دولت هستند، با یک حکم که «وظایف شوراها مشخص نشده و شما نمی‌توانید از کارهایی که ما انجام می‌دهیم، اطلاع داشته باشید» شورا را از دخالت در امور شرکت بازداشتند و این نحوه برخورد هنوز هم ادامه دارد. در ضمن این شرکت تا حال از داشتن سندیکای محروم بوده است.

مشکلات شرکت : چون کار ساختمانی شرکت هنوز به اتمام نرسیده است، تولید نمی‌کند، لذا مشکلات تولیدی ندارد. لیکن مشکلات کاری فراوان است. مشکل عمده شرکت از این قرار است که چون مسئولین سوبسی (مسئولین نصب کارخانه‌ها) پس از پیروزی انقلاب، ایران را ترک گفته‌اند، لذا کار نصب کارخانه تعطیل شده است. بنابراین کارگران قسمت نصب بیکار شده‌اند.

کارگران از مقامات مسئول می‌خواهند که هر چه زودتر برای نصب دستگاههای کارخانه که در حال رنگ زدن هستند اقدام جدی بعمل آورند. تأملیه‌ها تومانی که تا به حال خرج کارخانه شده است، به بعد نرود.

افراد مجرد ۲۰۰۰ ریال، افراد متاهل (بدون فرزند) ۳۰۰۰ ریال و (دارای فرزند) ۴۰۰۰ ریال تعیین شد. و همچنین به اشخاص متاهل دارای فرزند (حد اکثر تا دو فرزند) کمک عائله تعلق می‌گیرد. میزان این کمک برای دو فرزند ۲۴۰۲ ریال است.

سابقه مبارزاتی کارگران: اولین نشانه باز مقاومت کارگران در برابر نظم طاغوتی راجع در رژیم پشینی، که در تاریخ ۱۳۵۷/۵/۱۵ آغاز شد. در شهریور ماه ۵۷ کارفرما از پرداخت حقوق کارگران خودداری کرد. کارگران یکبارچه علیه کارفرما قیام کردند و مسئله پسود کارگران خانه یافت. پس از این واقعه، کارفرما دلتا از تعطیل کارخانه سخن می‌گفت و کارگران را تهدید به بیکاری می‌کرد. از طرف دیگر در صورتی که کارخانه تعطیل می‌شد کارفرمایان ملزم بودند، کارگران را متناسب با سابقه کار (اوبه نسبت چهار ساء از هر سال) بازخرید کنند از این نظر از بخت شرکت منظر کردند.

دو آستانه انقلاب، کارگران که از دست کارفرما و بخصوص از رژیم شاه مخلوع به ستوه آمده بودند، مدام در حال اعتصاب یا کم‌کاری سر می‌بردند، و بالطبع همواره در تظاهرات انقلابی شرکت داشتند.

از ابتدای شروع کار ایس شرکت، نه شورا و سندیکای وجود داشت و نه نماینده‌ای که بتواند خواسته‌های کارگران را برآورده سازد. تا اینکه در آستانه انقلاب، کارگران نمایندگان از میان خود انتخاب

کارخانه شرکت نساجی بابکان در آمل قرار دارد. این شرکت نخ و پارچه تولید می‌کند. سال بدستگیری کارخانه ۲ هکتار مساحت دارد و مجهز به مدرترین دستگاه است که از سوبسی خریداری شده است. هنوز دستگاههای مورد نیاز شرکت تکمیل نیست. سال بدستگیری دارای پنجاه هزار دود است. تقریباً ۹۰ درصد ساختمان این سالن به اتمام رسیده است. این کارخانه دو سال (۱۳۵۹) تأسیس شد و یکسال پس از پیروزی انقلاب، در تاریخ ۱۳۵۹/۱۲/۱۵ ملی اعلام شد و در اختیار دولت قرار گرفت.

کارگران : در این شرکت ۲۱۵ نفر کار می‌کنند. ۱۲۰ نفر قسمت ساختمانی و ۸۰ نفر بقیه در قسمت‌های امور فنی، برق، جوشکاری، تهویه، قسمت اداری و نظافت کارخانه. محل زندگی کارگران بیشتر در روستاهای اطراف اجوارا، مهدیخا، هارون‌کلا و سایر دهات مجاور است. دستمزد کارگران پیش از پیروزی انقلاب روزانه از ۲۰۰ تا ۷۰۰ ریال بود.

پیش از این، کارگران بیمه نبودند، خوشبختانه بر اثر کوشش شورای کارخانه و با سفارش کارگران، در دیماه ۱۳۵۸ همه کارگران تحت پوشش بیمه قرار گرفتند.

حق خوراک: افراد متاهل ۸۰۰ ریال و برای مجردین ۴۰۰ ریال است. ضمناً از اول فروردین ۵۹، طبق پخشنامه وزارت کار، حق مسکن

کابوس کارگران!

خود را عنوان کردند. بموجب قانون کار، کارفرما بایستی حقوق روز جمعه را بدهد، که در عرض این یکسال نداده است. همچنین حقوق روزهای تعطیل رسمی را هم باید بدهد، که نداده است. و دیگر حقوقی که قانون کار برسمیت شناخته است مانند: حق مسکن، حق اولاد و...

کارفرما که به قدرت خود الحینان دارد، به کارگران جواب میدهد که حاضر است ۴۰۰ هزار تومان خرج کند ولی یکتوان هم به کارگران ندهد. نتیجه آن میشود که حق از کارگران را بی هیچ دلیلی اخراج می‌کند.

در برابر اخراج غیرقانونی و بی‌رویه، تنها مرجع تنظیم خواهی کارگران، وزارت کار است. برای پیروان به مسائل کارگران پس از اخراج، به اداره کار و امور اجتماعی شعبه شماره ۱ واقع در چهارراه امیراکرم می‌رویم و پای صحبت‌های آنان می‌نشینیم: «فیرمرد کوتاه قدی در راهروهای اداره سرگردان است. از او می‌پرسیم که برای چه به اینجا آمده است. می‌گوید: «مدت سی و سه سال، در یک کارگاه صندلی‌سازی برای یک نفر کار می‌کردم، و بیمه نبودم. پس از سی و سه سال، برای اینکه از حقوق بازنشستگی استفاده کنم، از کارفرمایم خواستم، که مرا بیمه کند و حق بیمه سالهای گذشته مرا بپردازد. اما او قبول نکرد و مرا اخراج کرد. الان سه ماه است که برای گرفتن حق با اینجا می‌آیم و می‌روم. ولی هنوز نتیجه‌ای نگرفته‌ام».

سرپدار یک مسافر خانه در چهارراه سیروس که اخراج شده است، می‌گوید:

«مدت هشتال برای یکتوان جان کردم، اما او پس از انقلاب مرا اخراج کرد. من هم به اینجا شکایت کردم. الان شش ماه است که بیکارم، و به اینجا رفتم و آمد دارم، و قرار شده است که ۲۷ هزار تومان از طرف کارفرما به من پرداخت شود. کارفرما حاضر به پرداخت آن نیست و من باز هم باید بیایم و بروم. دیگر دارم خسته می‌شوم».

یک کارگر موزاییک‌ساز اخراج شده می‌گوید: «پس از ۱۶ سال کار در یک موزاییک‌سازی، کارفرما مرا اخراج کرده است. من بیمه نبودم و برای همین کارفرما سابقه کار مرا انکار می‌کند و نمی‌خواهد که حق مرا بدهد».

کارگر دیگری می‌گوید:

«ما کارگران به قانون وارد نیستیم» و برای همین باید مدت زیادی بیایم و برویم. من خود سه سال است که برای گرفتن حق می‌آیم و می‌روم، و کارفرمایم با استفاده از نفوذش، نمی‌گذارد که من به حق خود برسم».

پس از شکایت کارگران اخراجی به وزارت کار، بازرسی از طرف وزارت کار برای تحقیق پیرامون میزان حقوق و سابقه کار کارگر اعزام می‌شود، و سپس براساس میزان حقوق و سابقه کار کارگر به ازاء هر سال کار معادل یک ماه حقوق و مزایا از طرف کارفرما، بایستی به کارگر پرداخت شود. غالباً کارفرمایان به پرداخت این مبلغ راضی نمی‌شوند و باعث می‌شوند که شکایت کارگر به کمیسیون حل اختلاف ارجاع شود. در کمیسیون حل اختلاف نمایندگان کارگر و کارفرما و سندیکا و وزارت کار شرکت دارند و ابعادهای دوطرف را بررسی می‌کنند و رای نهائی را صادر می‌کنند.

تا شکایت کارگران به این مرحله برسد کارگران بایستی چندین ماه، و گاه تا یکسال، در راهروهای وزارت کار سرگردان باشند. این سرگردانی، بسیاری از کارگران را خسته می‌کند، بنحوی که بسیاری از کارگران پس از مدتی سرگردانی با گرفتن مبلغ کمتری از حق قانونی خود، با کارفرما کنار آمده و شکایت خود را پس می‌گیرند.

سخنان و شکایات‌های کارگران اخراجی می‌رساند که کارگران از سرگردانی طولانی خود در وزارت کار برای احقاق حق خود ناراضی هستند و بر مسئولان وزارت کار است که با سرعت بخشیدن در کار رسیدگی به شکایات کارگران از سرگردانی آنها جلوگیری کنند.

کارفرمایان ببر بهانه می‌توانند در این چارچوب دخل و تصرف کنند. یکبار وسایل یدکی نیست، یکبار ماده اولیه نیست، و بهر حال «بهانه» همیشه هست، اصل این است که قانون جنگل از میانه برنخاسته است. به نمونه زیر توجه کنیم:

اخراج بی‌رویه کارگران کارخانه چرم‌سازی خورشید در هیچ رؤیمی قابل توجیه نیست

کارخانه چرم‌سازی خورشید در این بابویه (شهری) قرار دارد. این کارخانه پوست گوسفند را بصورت چرم درمی‌آورد و پشم های آن را هم بصورت قابل مصرف درمی‌آورد. در آستانه انقلاب، تعداد ۳۰ تا ۴۰ کارگر هر روز ۱۲ تا ۱۴ ساعت در این کارخانه کار می‌کردند. دستمزد آنها در سطح بسیار پایینی قرار داشت. از مزایای بیمه استفاده نمی‌کردند، سابقه کار کارگران حداقل ۱۰ و حداکثر ۲۴ سال بود و بیشتر آنها مسن و مریض بودند.

چندی پیش کارفرما تمام کارگران را، به عنوان مختلف در مقابل پرداخت حق ناچیزی از کار اخراج کرد. یکی از بهانه‌های کارفرما برای اخراج کارگران، کمبود پوست بود. کارفرمایم آنها گفت بود: چون پوست کمپاد است پس کارخانه را تعطیل میکنم. کارفرما مدت سه ماه کارخانه را تعطیل کرد و پس از آنکه از دست کارگران بقول خودش خلاص شد، مجدداً کارخانه را براه انداخت. این بار کارفرما بجای کارگران قبلی، عده‌ای کارگر را بطور روزمزد و فصلی بدون پرداخت حق بیمه و سایر مزایا به کار گرفت... و بقول خودش روزانه مبلغ هنگفتی درآمد دارد، مسئولین امر، باید مسئله اخراج کارگران قبلی را بی‌گیری کنند، که کارفرما تحت چه ضوابطی اقدام به اینکار کرده است. عمل خلافی را که کارفرمایم برحرم کارخانه مرتکب شده است، حتی در زمان طاغوت هم غیرقابل توجیه بود، چه رسد به این زمان که از طاغوت فقط نامی بیشتر مانده است.

نمونه دیگری داریم:

از اخراج کارگران بازار جلوگیری کنید!

زحمتکشان بازار بخصوص کارگران صنوف کسوناگون، دارای هیچگونه تشکیلات صنفی نیستند. این امر در رژیم مخلوع سابق، بدلیل حکومت ضد کارگری، تا اندازه‌ای توجیه میشد. سرمایه‌داران بازار هر وقت که تصمیم به اخراج کارگران می‌گرفتند، بدون هیچ دغدغهای این کار را انجام میدادند.

اما کارگران بازار در رژیم نویناد جمهوری اسلامی ایران انتظار دارند، که از امنیت شغلی برآتب بیشتری برخوردار گردند. هر روز و هر ساعت کارفرمایان بازار، بدلیل واهی، کارگران را در این شرایط بسیار حساس اخراج می‌کنند، بدون اینکه حتی دیناری بعنوان خسارت بپردازند. نمونه زیر تنها مثنی است از خروار که هر روز کارگران بازار شاهد آنند:

یکی از تجار نسبتاً معروف بازار (تاجر فرش) چندی پیش همه کارکنانش را اخراج کرد بدون اینکه حتی آب از آب تکان بخورد. او فقط برای اینکه قدرت خود را بنمایش بگذارد، اقدام به اخراج حق از کارگرانی کرد که سابقه کار یکساله دارند! ماجرا از این قرار بود که مدتی قبل از اخراج کارفرما اقدام به بیمه کردن کارگران می‌کند. البته در آن زمان نصف کارگران خود را اخراج کرده بود و تنها ۴ کارگر و یک سرپرست را نگه داشته بود.

بعد از این جریان کارفرما بظالم اینکه بهانه‌ای برای اخراج داشته باشد به کارگران می‌گوید:

«من شما را بیمه نمی‌کنم».

کارگران که از این مسئله ناراحت بوده، خواسته‌های قانونی

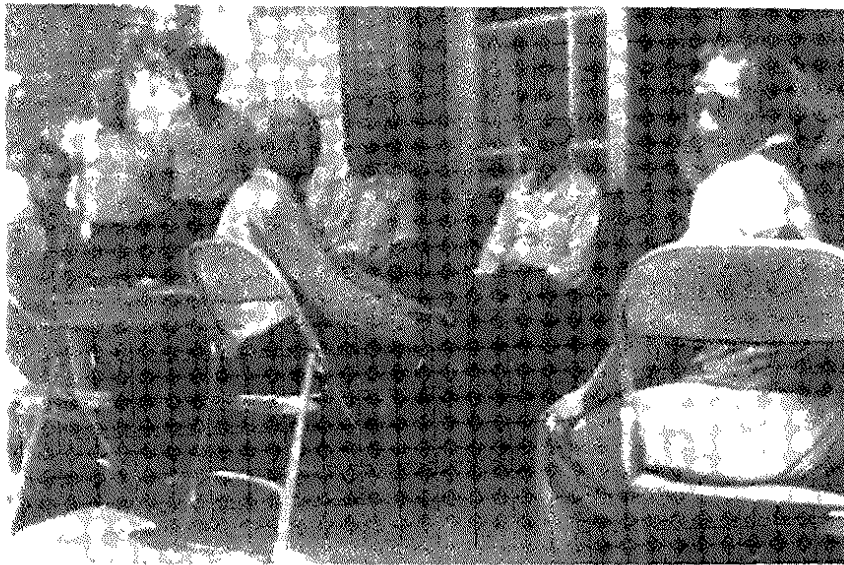


تشکل کارگران در انجمن‌های صنفی (سندیکایی) ضرورت انقلاب ایران است

بزرگ مالکان غارتگر مسبب بدبختی دهقانان و غلبه داندگی دهات و پایگاه امپریالیسم جهانخوار هستند. انقلاب ایران باید هر چه سریعتر و قاطع تر بساط بزرگ مالکی را برچیند

حقوق پایمال شده دهقانان را بازستانید

روستای محمودآباد در ۱۸ کیلومتری جاده خراسان واقع است. در سال ۱۳۴۱ مالکان، اراضی دهقانان این منطقه را به دسر و یا به نیرنگ به مالکیت خویش درآوردند و پس از آن دست به ایجاد کوره‌های آجرپزی، کج‌پیزی در زمینهای مزبور زدند. بدین‌ذکر است که سطح زیر کشت این اراضی تا قبل از اصلاحات ارضی کدائی ۹۰۰ هکتار بوده است، هم‌اکنون سطح زمینهای قابل کشت ۳۶۰ هکتار است که تنها حدود ۱۰۵ هکتار آن به زیر کشت رفته است. مالکان با ایجاد این کوره‌ریخته‌ها نه تنها میزان بارآوری



اشتباهات مائو، بدبختی بزرگ برای حزب و مردم چین

هویائو بانک مقام برجسته حزب چین، اخیراً طی سخنانی خطاب به عده‌ای از روزنامه‌نگاران یوگسلاوی، شدیداً «اشتباهات» مائو قضاوت را محکوم کرد. «هوی» گفت: «اشتباهات مائو بدبختی‌های بزرگی برای حزب و مردم چین بوجود آورده است. «هوی» به روزنامه‌نگاران گفت «رهبرهای مائو بویژه در زمینه‌های اقتصادی فاجعه آفرین بوده است و تئوریهای اقتصادی مائو در شرایط جدید چین قابل قبول نیست.»

«هوی» اقدامهای مائو را در ۱۹ سال آخر زندگی صراحتاً پید حمله گرفت و گفت بزرگی ولساوی درباره نقش مائو در انقلاب فرهنگی نوشتن خواهد شد. «هوی» تلویحاً این نظر رسمی را که مائو «ناخودآگاه» بوسیله «داروخته چهار

نفری» در جریان انقلاب فرهنگی گمراه شده بود زیر علامت سؤال قرار داد و اضافه کرد مائو در سالهای آخر زندگی خود «فاقد انرژی» بوده است.

«هوی» همچنین گفت قرار است بزودی دین بیائو و دارو دست‌های دریک دادگاه نظامی محاکمه شوند و این يك محاکمه بعد از مرگ است.

گزارش مساحبه «هوی» با روزنامه نگاران یوگسلاوی در چند روزنامه اروپایی نیز چاپ رسیده است.

از سوی دیگر چند روزنامه ژاپنی از جمله

روزنامه «آساه» اعلام کردند در چین مبارزه قدرت‌میان طرفداران با اصطلاح «مدرنیزاسیون» طرفداران «لین بیائو» است که مخالف با اصطلاح «مدرنیزاسیون» هستند. بنوشته آساهی هر در گروه ارتش‌های مسلح مخفی در اختیار دارند برای تقسیم دست و قوت و اعتبار میان خود «شدیداً رقابت» میکنند.

همکاری کوبا و یمن دموکراتیک

کوبا و جمهوری دموکراتیک خلق یمن در هارانا يك موافقت‌نامه در زمینه همکاری اقتصادی، فنی، فرهنگی امضاء کرده‌اند. این موافقت‌نامه دوران پنجاهاله ۱۹۸۱-۸۵ را دربر میگیرد. بموجب این موافقت‌نامه کوبا به پیشرفت امور بهداشتی، آموزشی و صنایع ماهیگیری یمن دموکراتیک کمک میکند.

روند تشنج‌زدائی باید ادامه یابد

لئوید برژنف رهبر اتحاد شوروی اعلام کرد لازم است کشورهای غربی از کشتن مسایه تسلیحاتی خودداری کرده و طرح‌های مربوط به ساختن سلاح‌ها و سیستم‌های جدید تسلیحاتی را کنار بگذارند.

برژنف در فضیاتی که با تفخار هلموت شمیست صدراعظم آلمان فدرال پراشته بود اعلام کرد که باید به روند تشنج‌زدائی ادامه داد و نظام میان کشورها برقرار کرد و برای رسیدن باین هدف تشکیل کنفرانس خلق سلاح و کاهش تشنج نظامی اهمیت ویژه‌ای دارد.

رهبر اتحاد شوروی گفت مسائلی که بیرون افغانستان بوجود آمده باید از راه سیاسی حل و فصل شود و این حل و فصل می‌تواند بر اساس پیشنهاد اخیر دولت افغانستان باشد و مسئله خروج کابل نیروهای محدود اتحاد شوروی در این چهارچوب حل میشود. برژنف تاکید کرد که اتحاد شوروی نمی‌توانست يك کشور همسایه درست را هنگامیکه استقلال و حاکمیت آن جدا مورد تهدید قرار گرفته بود از کمک محروم کند.

آزادی مذهب در افغانستان

کنفرانس روحانیون و دانشمندان علوم اسلامی در کابل برگزار شد. این نخستین کنفرانس از نوع خود در افغانستان بود. بزرگ کارل رهبر افغانستان در فضیاتی که گفت: آزادی مذهب در افغانستان انقلابی کاملاً رعایت میشود و معتقدات هر کس محترم است.

وخیم‌تر از آنچه پیش‌بینی میشد

اوضاع اقتصادی آمریکا وخیم‌تر میشود. بنابر آخرین آمار رسمی، نرخ افزایش تورم به بیش از درصد رسیده و هفت درصد نیروی کار نیز بیکار است. شاخص اقتصادی در ماه گذشته ۴ درصد دیگر سقوط کرده است. کارشناسان اقتصادی عقیده دارند رکود اقتصادی در آمریکا بیشتر از حدی است که مقامات دولتی آن کشور پیش‌بینی میکردند.

رویدادهای جهان

افزایش حضور نظامی آمریکا در خلیج فارس

امریالیس آمریکا کماکان حضور نظامی خود را در خلیج فارس افزایش میدهد. دو ناوشکن آمریکایی از کانال سوئز گذشت و وارد دریای سرخ شده‌اند. به نوشته چند روزنامه مصری، این دو ناوشکن راهی خلیج فارس هستند.

در ارتباط با افزایش تدارکات جنگی آمریکا در «قیانوس هند و خلیج فارس»، نماینده جمهوری دموکراتیک خلق یمن در سازمان ملل گفت که امریالیس آمریکا تحرکات خود را در خاورمیانه و خلیج فارس افزایش داده است. نماینده یمن دموکراتیک یادآور شد که حمله اخیر امریالیس آمریکا به ایران نشان‌دهنده آمریکا دشمن واقعی خلق‌های منطقه است و مبارزه علیه ایس امریالیس باید گسترش یابد.

پیام‌سندیکاهای افغانستان بعنوان زحمتکشان ایران و پاکستان

سازمان مرکزی سندیکاهای افغانستان از تمام زحمتکشان ایران و پاکستان دعوت کرده است که از طرح حل مسأله‌های مشترک مناسبات افغانستان باین کشورها که از سوی دولت جمهوری دموکراتیک افغانستان ارائه شده، پشتیبانی کنند.

بطوریکه می‌دانیم طرح واقع‌بینانه دولت جمهوری دموکراتیک افغانستان شامل پیشنهادهاست است درباره انجام مذاکرات با ایران و پاکستان برای حصول توافق بر پایه اصول حسن همجواری و عدم مداخله در امور داخلی و همکاری سوزمند.

دولت افغانستان به منظور حفظ روابط حسن همجواری پیشنهاد میکند که تعهدات معینی درباره اینکه عملیات مسلحانه و دیگر عملیات خصمانه هر ضد یکدیگر از خاک کشورهای همسایه انجام نگردد، در موافقت‌نامه گنجانده شود.

در پیام سندیکاهای افغانستان تمایل مردم افغانستان به صلح و روابط حسن همجواری با همسایگان خود، خاطرنشان گردیده است. در پیام گفته میشود که میان کشورهای ما مسائلی وجود ندارد که نوان آنها را از راه مذاکره حل کرد. در پیام آمده است که حملات مقامات ایران و پاکستان علیه افغانستان فقط به سود نیروهای ارتجاعی منطقه و امریالیس یمن-المللی، که با ايلات متحده آمریکا در راس آن قرار دارد، خواهد بود که همچنان به توطئه - جینی علیه انقلاب دموکراتیک افغانستان ادامه میدهند.

اردوگاههای خرابکاران افغانی در مصر

نشریه آمریکائی «نیوزویل» نوشت سه هزار افغانی در چین برای خرابکاری در افغانستان آموزش می‌بینند. این نشریه اضافه کرد در حال حاضر صدها افغانی دیگر نیز در اردوگاه‌هایی در مصر سرگرم گذراندن دوره‌های نظامی هستند و قرار است بعد از پایان تعلیمات به پیشاور پاکستان اعزام شده و از آنجا به افغانستان رخنه کنند. رژیم مصر از جانیان اصلی‌باند‌های تروریستی افغانی است.

نقشه نو استعماری آمریکا علیه

خلق السالوادور

جبهه انقلابی دموکراتیک السالوادور، اعدای امریالیس آمریکا را برای بمباران گرفتن با اصطلاح نقش میانجی در السالوادور آشکارا رد کرد. جبهه انقلابی دموکراتیک در بیانیه‌ای که در کنسرتاریکا انتشار یافت اعلام کرد که اساس نقشه جنایتکارانه امریالیس آمریکا را از مایه دولت افغانستان قرار داد که در آن دولت افغانستان آمادگی خود را برای حل و فصل مسائل با همسایگان اسلام داشته است بشرط آنکه قطع مداخله مسلحانه از کشورهای مجاور تضمین شود. کنفرانس از ابتکار کمیته همبستگی آسیا - آفریقا در مورد فرستادن يك هیئت حسن‌نیت به افغانستان و پاکستان برای حل و فصل مسائل استقبال میکند.

جبهه انقلابی دموکراتیک اعلام کرد امریالیس آمریکا يك مانور مداخله جویانه برای محرم کردن مردم السالوادور از زمین آزادانه منوشت خود دست زده است.



افغانستان خواستار مذاکره با ایران و پاکستان است

افغانستان اعلام کرده است که حاضر است در هر لحظه‌ای با کشورهای همسایه خود - پاکستان و ایران بدون هیچ گونه شرط اولیه - مقدماتی درباره حل سیاسی مسئله بمذاکره بنشیند. این اعلامیه ضمن تفسیری بنسبیت پایان کار کنفرانس بین‌المللی همبستگی با مردم افغانستان، از ارباب کابل بخی شد.

این تفسیر متذکر میشود که قطع عملیات تجاوزکارانه از خارج علیه افغانستان، راه برقراری مناسبات سازنده و رادراین منطقه می‌خواهد کرد. و اینکابل تاکید کرد که افغانستان، پاکستان و ایران میتوانند در مقیاس وسیع به توسعه همکاری اقتصادی مسالمت‌آمیز که خلق‌های هر سه کشور در آن ذینفع هستند دست بزنند.

دستیار کارتر تحریف میکند

خبرگزاری شوروش تاس ادعای پروژینسکی مشاور امنیتی رئیس‌جمهور آمریکا را در مورد این که گویا پیشنهاد کارتر درباره افغانستان با اتحاد شوروی مورد بررسی قرار گرفته است دور از واقعیت خواند. در تفسیر خبرگزاری تاس گفته میشود: نرمول انتقال کارتر به! مقام اعلامیه ماه نوپه اوفرق نمی‌کنند و حال که مقام‌های رسمی واشنگتن به پیشنهادهای ۱۴ ماه مه می‌دهند که از طریق تایلند به خاک کامپوچیا تجاوز کنند.

باجود همه اینها کامپوچیا باردیگر از تایلند دعوت کرده است به مذاکره و بازند تا مرز مشترک دو کشور به منطقه صلح و دوستی مبدل گردد.

در کنفرانس همبستگی با مردم افغانستان

تشکیل شده بود، دیروز در کابل به کار خود پایان داد.

در قطعنامه این کنفرانس آمده است: «فصلیاتی تخریبی ضدانقلابیون افغانی که از خارج کشور ویش از همه از سوی امریالیس آمریکا تقویت میشود، پیشرفت انقلاب را با مشکلاتی مواجه کرده است. در این اعلامیه همچنین آمده است: «دین به اصطلاح شورشیان افغانی بدون کمک‌های مالی و نظامی از سوی آمریکا، چین و پاکستان نمی‌تواند نفوذ عملیات جنایتکارانه خود را علیه ملت غیور افغانستان علی سازند.»

شرکت کنندگان در کنفرانس بین‌المللی کابل اعلام کردند که تباراه حل افغانستان نفع تجاوزات نظامی ضدانقلاب از خاک کشورهای مجاور به این کشور است.

فیدل کاسترو: این وظیفه يك غیر متعهد است که با مردم آنکولا ابراز همبستگی کند

فیدل کاسترو رهبر کوبا و رئیس جنبش غیرمتهمها از سران کشورهای غیر متعهد دعوت کرده است تا از آنکولا در مقابل تجاوزات دولت نژادپرست آفریقای جنوبی پشتیبانی کنند. کاسترو در پیام خود می‌نویسد: حق حاکمیت و تمامیت ارضی آنکولا باردیگر در معرض هجوم قرار گرفته است، چندین هزار سرباز دولت نژادپرست آفریقای جنوبی با توپ، تانک و هواپیما به خاک آنکولا تجاوز کرده‌اند. این اعمال تجاوزکارانه نژادپرستان آفریقای جنوبی درست‌درومانی صورت می‌گیرد که آمریکا محدودیت‌های ارسال کمک‌های نظامی و اقتصادی خود را به گروه‌های مزدور و روابشی که از طریق خاک آفریقای جنوبی به آنکولا وارد می‌شوند، لغو کرده است.

فیدل کاسترو همچنین می‌نویسد: «این وظیفه يك غیر متعهد است که با مردم آنکولا ابراز همبستگی کند.»

تایلند به تحریک چین و آمریکا به تجهیز باندهای طرفدار بلیت پرداخته است

در اعلامیه‌ای که اخیراً از طرف وزارت خارجه کامپوچیا انتشار یافته است، مسئولیت ناشی از تشدید تشنج در مرز دو کشور تایلند و کامپوچیا به بعد مقابله‌ای رسمی تایلند گذاشته شده است. در این اعلامیه آمده است مقامات رسمی تایلند به تحریک چین و آمریکا به تجهیز بقایای باندهای رژیم خونخوار بلیت پرداخته‌اند و به آنها اجازه میدهند که از طریق تایلند به خاک کامپوچیا تجاوز کنند.

باجود همه اینها کامپوچیا باردیگر از تایلند دعوت کرده است به مذاکره و بازند تا مرز مشترک دو کشور به منطقه صلح و دوستی مبدل گردد.

مشکل گوشت و ضرورت حل آن

ماندگاری گوشت این ماده مورد نیاز مردم، به صورت مسئله ای به نظر می رسد.

سرمدمداران رژیم سابق به عنوان حل بنیادی این مسئله، گوشت را از خارج تأمین می کردند. رژیم شاه مخلوع که کمربند بودی کشور را بسته بود، صادرات جبران - ناپذیری به اقتصاد روستایی وارد کرد که از بین رفتن سیستم دامداری و گله داری کشتیرین عوارض آن بود.

پس از پیروزی انقلاب، مسئله گوشت همچنان یکی از مهمترین مسائل حل نشده باقی ماند. مسئولان امر برای حل این مسئله مجبور به اجرای طرح کوتاه مدت سابق شدند، یعنی: وارد کردن گوشت از کشورهای خارجی.

برای بررسی این مسئله با چند تن از مسئولان کشتارگاه تهران به گفتگو نشستیم: ماشاءالله سنگم می گفت:

«حدود چهار هزار و پانصد گوسفند در روز در تهران کشتار میشود. حدود ۴۰۰۰ رأس آن، بین کارکنان سازمان گوشت و فروشگاهی و سازمانهایی که با سازمان گوشت قرار دارند توزیع میشود. ۱۵۰۰ رأس باقی مانده هم بین مغازه های قصابی توزیع میشود. از درمورد علل کمبود گوشت می گفت:

«بناظر من علت اینست که به کارکنان سازمان گوشت، بیش از حد احتیاج آنها گوشت میدهند و آنها هم گوشت اضافی خود را به مغازه داران می فروشند.»

اوضاعه کرد: «گوشت مصرفی من در هفته حدود ۱۴ کیلو است. در صورتیکه، در هفته، به هر یک از ما، حدود ۱۰ الی ۱۵ کیلو، و گاهی اوقات ۲۰ کیلو گوشت میدهند. من چندین بار تاکنون به مقامات مسئول نامه نوشته ام، و یادآور شده ام، که بیش از حد مصرف به ما گوشت میدهند، ولی تا به حال به نامه های من ترتیب اثر داده نشده است.»

محمد صدقی یکی دیگر از مسئولان می گفت: «من فکر میکنم علت کمبود گوشت هجوم بیش از حد جمعیت پس از انقلاب، به تهران است. چون گوشت به همان مقدار سابق کشتار میشود ولی کفای همه را نمیرسد. دیگر اینکه بیشتر قصابی ها، مقداری از سهمیه خود را به چلوکبابی ها، و رستوران ها می فروشند.»

از او درمورد کشتار همان روز پرسیدیم، گفت:

«امروز حدود پنج هزار گوسفند کشتار کردیم که دوازدهای آن به ارتش برده میشود. (در صورتیکه ارتش قبلاً سهمیه ای جداگانه داشت و جداگانه کشتار میکرد). سه هزار تای بقیه هم، بین کارکنان، بیمارستانها و سازمانهایی که با سازمان گوشت قرارداد دارند، توزیع میشود. بقیه هم به قصابی ها همراه با گوشت یخ زده فرستاده میشود. اگر ابراهیم مشهدی رضا خراسانی صلاح دیگر کشتارگاه گفت:

قابل توجه خبرنگاران نامه «مردم» در شهرستانها

هر روز دهها گزارش و مداخله خبر از سراسر ایران که توسط رفقای حزبی و یا هواداران حزب توده ایران تهیه شده است، به نامه «مردم» میرسد. ما ضمن تشکر از همه خبرنگاران نامه «مردم»، رفقا و دوستان حزبی، خواهانیم که برای بهتر شدن گزارشها و اخباری که بدست خوانندگان نامه «مردم» میرسد و همچنین سرعت بخشیدن بدفع اخبار و گزارشها، حتماً نکات زیرین را رعایت کنند:

- ۱- اغلب همراه گزارشها، بویژه گزارشهای محلات فقر و همراه اخبار، بویژه اخبار تشکیل نمایشگاهها، عکسهای رنگی برای ما فرستاده میشود. این امر در مورد گزارشهای کارگری و دهقانی هم صادق است. از آنجا که عکسهای رنگی در نامه «مردم» از نظر فنی قابل استفاده نیست و با اضافه چاپ و ظهور آنها هم مدتی طول میکشد، لطفاً در درجه اول برای ما عکس و یا فیلم سیاه و سفید بفرستید. توجه میدهیم که تهیه عکسهای رنگی متنی نیست و گمانیکه امکان دارند، میتوانند هر دو نوع فیلم، هم رنگی و هم سیاه و سفید، تهیه کنند. در اینگونه مواقع میتوان برای سهولت و سرعت کار، عکس سیاه و سفید و فیلم رنگی را برای ما بفرستید.
- ۲- در پیامهای مواد، از محلاتی که گزارش آنها تهیه و در روزنامه چاپ شده است، برای ما گزارش بفرستید. برای مثال تاکنون گزارش در باره محله زنجان شمالی، که گزارش آن قبلاً در روزنامه چاپ شده، برای ما فرستاده شده است. تهیه این قبیل گزارشهای تکراری تنها سبب هدر رفتن وقت میشود.
- ۳- در عکسهای که از محلات فقر و زندگی زحمتکشان برای ما

معلق کمبود گوشت را نمیدانیم چیست. چون سابق بر این هم همین مقدار کشتار میشد.

اوضاعه کرد: «هر روز در تهران حدود ۴۰۰۰ گوسفند کشتار میشود که گوشت آنها را در قصابی های جنوب شهر، حوالی میدان شوش و مسیر شهری فروش می رسانند.»

مشکل کمبود گوشت باید بطریق بنیادی حل شود. با وارد کردن گوشت از خارج می توان فقط بطور موقت، مشکل گوشت را حل کرد ولی با اجرای این طرح کوتاه مدت نباید طرحهای دراز مدت را به فراموشی سپرد.

بدینسان تأمین مواد غذایی، بویژه گوشت که یکی از مهمترین بخشهای غذای مردم را تشکیل میدهد، از اهمیت و حساسیت ویژه ای برخوردار است. می دانیم که در وضعیت کنونی، فقدان انقلاب نیز با توجه های خود و از جمله با خریدن و معدوم کردن لاشه های گوشت، و به شیوه های دیگر در ایجاد کمبودهای مصنوعی دست دارد. در این زمینه چندی پیش در روزنامه ها خواندیم که:

«دبیبش کشته، یک گاوین ناشناس لاشه بیش از پانصد گوسفند را در بیابانهای اطراف جاده خاوران و بیمارستان امین آباد، در میان زباله ها خالی کرد و گریخت.»

(کتابان ۱۱/۳/۵۹)

این روزنامه می افزاید که: تمامی لاشه ها گوشت تازه بوده اند که در ایران ذبح شده است و بهر کشتارگاه تهران درران و بهلوی اکثر آنها بوضوح پشم می خورد...

(همانجا) از عوارض بهداشتی سوء این مسئله بگذریم که البته بیچون و چله مسئله کوچکی نیست. مهم اینست که فقدان انقلاب درمورد است مسئله کمبود گوشت را به عنوان دلیلی بر بی لیاقتی و عدم کارایی مسئولین مربوطه دامن زند. و این توطئه ادامه دارد: صدهای ناشناس حدود ۵ تن مواد غذایی درجه یک را در قاصلا جنوب تهران تخلیه کردند و متواری شدند. مواد غذایی شامل گوشت گاو، گوشت خوک، راسته و فیله گاو، ماهی، کالیاس، سوسیس، مرغ منجمد بستبندی شده، کره، پنیر و انواع ساندویچ آماده و همبرگر می باشد» (کتابان ۴/۴/۵۹)

با این ترتیب تشدید فعالیت ضد انقلاب در این جهت در درجه نخست، حاکمی از حساسیت مسئله گوشت و امکان بلا فصل تشدید نارضایتی ها از این رهگذر است. برای خنثی کردن این توطئه و رفتار از آن حل مسئله گوشت بسود زحمتکشان ایجاد بشود و تقوای تولید و توزیع و کنترل و در دولت در همه مراحل از کشتار تا مصرف تنها راه درست، عملی و ضروری است.

خوانندگان گرامی
میتوانند در خارج از کشور
به آدرس های زیر با
نامه مردم مکاتبه کنند

بلژیک
51, Av. de Broqueville
1200 Bruxelles

فرانسه
Rigal Albert
BP 75156
75001 Paris
France

انگلستان
P.O. Box 141
London. E7 OPE

ایتالیا
Poi, Shama
Via G. Vincon, 40
Ostia (Roma)

Tel 8614922 (TUDEH)

سوئد
Box 27290
10253 Stockholm

کاخ بیدار از بن کنیم

خانه حزب را کنیم آباد

رفقای حزبی، هواداران، دوستان حزب و هموطنان!

ما میخواهیم همراه شما و به کمک شما جشن چهلین سالگرد تأسیس حزب توده ایران را در خانه حزب برگزار کنیم. برای خریدن و یا ساختن خانه حزب به کمک مالی شما نیازمندیم. با کمک خود در این جنبش همبستگی و خلقی شرکت کنید. کمک مالی خود را به نام رضاشالتوکی، شماره بانکی ۸۶۸، بانک ملت ایران (بانک تهران سابق) شعبه ایران شتر شمالی بپردازید.

توجه: ۱) پرداخت پول، یا ذکر مشخصات فوق، به نام شعبه های بانک ملت ایران (بانک تهران سابق) ممکن است. ۲) از کمک کنندگان خواهشمندیم فتوکی فیش بانکی را به آدرس دبیرخانه کمیته مرکزی: تهران، خیابان ۱۶ آذر، شماره ۱۸ ارسال دارند.

۲۰۰۰ ریال	مهران به حزب پدرش
۲۰۰۰ ریال	۱. پ.
۳۰۰۰ ریال	یکی از هواداران حزب در برلین غربی
۲۰۰۰ ریال	خوشی
۲۱۶۰ ریال	شبنم
۱۶۶۰ ریال	تایا اسدی
۴۰۰۰	۴. ش.
۵۰۰۰	۵. ف.
۱۰۰۰	۶. ف.
۲۰۰۰	امیل کوچولو
۱۵۰۰	نامزد از نیواران
۸۰۰	پروانه انساوه
۱۰۰۰	کرملی نیا
۱۰۰۰	زهره نیا
۸۰۰۰	هواداران - ایرج

رفقای حزبی!
هواداران و
دوستان حزب!

استاد حزبی (اعلامیه ها، پیاتیه ها و...) منتشر در نامه مردم، ارگان مرکزی حزب توده ایران را، با استفاده از تمام امکانات، به وسیله ترین شکل تکثیر کنید و به نوددهای مردم بفرستید. در شرایط حساس کنونی این یک وظیفه مبرم انقلابی است.

سومین شماره

دشمن

منتشر شد

ملت از مستکبران کشور ما، یعنی از ضد انقلاب و مستکبران جهان پیش امپریالیسم حمایت بی دریغ می کنند.

بر خلاف ادعای کسانی که می گویند انقلاب ایران با ویژگی های پلکانی تئوریک مربوط به مبارزات طبقاتی رانسانداد، انقلاب ایران یکبار دیگر ثابت کرد که علی رغم هرگونه ویژگی ناشی از شرایط خاص تاریخی - جهانی و جغرافیایی که انقلاب در آن انجام می گیرد در دوران ما که دوران فروری نظام سرمایه داری و دوران گذار از سرمایه داری به سوسیالیسم است، همه انقلاب های کشورهای زیر سلطه امپریالیسم جهانخواه در چارچوب قانونمندی های عام انقلاب های ضد امپریالیستی و خلقی انجام می گیرند و پیروزی و شکست این انقلاب ها هم بدون چون و چرا تابع همین قانونمندی ها است. می توان بر این دگرگونی های انقلابی نامهای گوناگون گذاشت و برای آنها پوشش های گوناگون آماده کرد ولی محتوای همه آنها همان همان انقلاب ضد امپریالیستی، ضد استبدادی و خلقی است. این انقلاب به پیروزی قطعی خواهد رسید، اگر بتواند جای خود را در جبهه عمومی نبرد ضد امپریالیستی جهان به دست ببرد و سهم خود را در این نبرد جهانی به دست ببرد. از امروز وضع ضد انقلاب و جنبات امپریالیسم تخمک موافق خود به بهترین شکل بهره گیری کنند در حدود امکان، خود به سایر جبهه های نبرد کمک رسانند. این است یکنانه راه تثبیت و تحکیم و گسترش انقلاب ایران. هر راه دیگر انقلاب ما را به سوی پرتگاه خواهد برد.

تجاوز جنایت آمیز نظامی آمریکا به کشور ما و واکنش های متفاوت و متضاد این توطئه ها و اقدامات در جهان - همگی موبد این واقعیت اند که پشتیبانی و دشمنی نسبت به انقلاب ایران در جهان هم دقیقاً محوری طبقاتی دارد. همه آن نیروها، احزاب و دولت های که در جبهه نبرد جهانی علیه امپریالیسم جهانی می جنگند، صرف نظر از ملیت، نژاد و وابستگی های ایدئولوژیک و اعتقادات مذهبی به طور همه جانبه از انقلاب ایران پشتیبانی می کنند و در این طیف از یک سو خانواده کشورهای سوسیالیستی که اتحاد شوروی در مرکز آن قرار گرفته و نیز کلیه احزاب کمونیستی و کارگری جهان سرمایه داری که با امپریالیسم کشورهای خود و امپریالیسم جهانی در نبردند، جای دارد و در سری دیگر همه جنبش های اصیل ضد امپریالیستی و دولت های آزاد شده و مترقی و ضد - امپریالیست، مانند اعضای جبهه پایداری خلق صرب قرار گرفته است.

تعبیر آور نیست که در جهان غرب، تنها و تنها مطبوعات و انتشارات وابسته به احزاب کمونیستی و کارگری سازمان های راستین ضد امپریالیست هستند که از «انقلاب اسلامی» ایران به طور پر پر و صراحت دفاع می کنند، برعکس همه مطبوعات و روزنامه ها و رادیو ها و تلویزیون های وابسته به دولت ها و محافل و احزاب مذهبی مانند احزاب دمکرات مسیحی آلمان غربی و ایتالیا و غیره که از موضع ضد انقلاب و جنبات امپریالیسم آمریکا پشتیبانی می کنند. این امر از این لحاظ قابل تعجب نیست، که آن ها نمایندگان و مدافعان طبقات زحمتکش کشور خود هستند و درست به همین علت بار انقلاب خلقی ما می باشند و این ها نماینده مدافع انحصارات سرمایه داری هستند (مانند آقای پاپ و تمام دستگاهش) و درست به همین

دوستان و دشمنان انقلاب ایران

استبدادی و خلقی ایران قرار می گیرد. کارگران و دهقانان زحمتکش، پشه واران و سایر اقشار زحمتکش شهروستا، روشنفکران میهن دوست و زحمتکش و روحانیان مبارز که بخش مهمی از مجموعه روحانیت است، در این طیف قرار گرفته اند. نیروی انقلاب ایران نیروی عظیمی است و تاکنون دست آوردهای تاریخی - جهانی عظیمی به دست آورده و ضربات سختی بر بیکر امپریالیسم جهانی و به ویژه به سرکرده آن، امپریالیسم آمریکا، وارد ساخته است. درست به همین علت است که امپریالیسم تمام نیروی جهانی خود را برای پشتیبانی از ضد انقلاب ایران تاحد مداخله مستقیم نظامی بجهیز کرده است. ولی انقلاب ایران نیرومند است، نه تنها برای آن که در درون ایران به نیروی لایزال ده ها میلیون خلق، به زحمتکشان و معرومان تکیه دارد بلکه در سراسر جهان از جانب همه نیروهای راستین ضد امپریالیست، همه نیروهای راستین هوادار استقلال و آزادی و پیشرفت اجتماعی، همه نیروهای زحمتکشان و معرومان و همه سازمان ها و دولت های ضد امپریالیستی همه جانبه پشتیبانی می شود.

رویدادهایی که در دوران پیش از انقلاب و در تمام یکسال و نیم پس از انقلاب در ارتباط با انقلاب ایران در جهان پیش آمده و می آید، به روشنی نشان می دهد که دشمنان و پشتیبانان انقلاب ایران در دنیا چه نیروها و چه دولت های هستند. توطئه های امپریالیسم آمریکا در شورای امنیت و در دیوان لاهه، اقدامات این کشور برای محاصره اقتصادی ایران،

بقیه از صفحه ۴ - درون انقلاب به بار آورد و حتی مجموعه انقلاب را به خطر اندازد.

در این زمینه تقی نیروهای واقعی هوادار راه خلقی و به ویژه نیروهای هوادار راه طبقه کارگر که انقلابی ترین، پیگیرترین و آشتی ناپذیرترین نیروهای جبهه متحد خلقی است، دارای تأثیر و اهمیت زیادی است.

سنگین ترین خیانت چپ نماها و بسوزگترین اشتباه چپ گرایی در مبارزات بفرنج انقلابی و بزرگترین خدمت آنان به ضد انقلاب در همین میدان به وقوع می پیوندد. ضد انقلاب با تمام نیروی خود می کشد از یک سو به کمک چپ نمایان که با شعارهای مافوق انقلابی غیرواقعی و حرکات و اقدامات ماجراجویانه به میدان می آیند، این نیروهای متزلزل را به وسعت اندازد و به طرف ضد انقلاب متمایل سازد و از سوی دیگر به کمک عوامل خود با ماسک افراط راست، چپ گرایی بی تجربه را مورد حمله قرار دهد و آنان را به اتخاذ روش های ناسنجیده و ماجراجویانه وادارد و از آن برای همان هدف بالا بهره گیری کند. تجربه انقلاب برتغال و سر نوشت آن و همچنین تجربه یکسال و نیم انقلاب ایران درس های بسیار گران بها به ما آموخته است که با کمال تأسف باز این های دردناک و جبران ناپذیری برای انقلاب همراه بوده است.

نیروهای انقلاب، در برابر طیف ضد انقلاب و طیف نیروهای متزلزل، طیف نیروهای انقلاب ضد امپریالیستی - ضد -

با اتکا به پیام تاریخی امام خمینی، مسئله کردستان را از راه مسالمت آمیز، با تأمین حقوق ملی خلق کرد، بسود انقلاب ایران حل کنیم

رهبران «مبارزان» افغانی به دست بوس سادات رفتند

حکمت یار «حزب اسلامی» را تشکیل داده در آن زمان ربانی نیز با وی همکاری می کرد ولی پس از مدتی جدا گردیده و جمعیت اسلامی را تشکیل داد (انقلاب اسلامی - ۸ تیر) آنگاه نوبت به «اتحاد» دیگری رسید: «حزب اسلامی» جمعیت اسلامی و مولوی بنی محمدی متحد شده و حرکت انقلاب اسلامی را بوجود آوردند و مولوی بنی محمدی را بعنوان رئیس این حرکت انتخاب کردند. ولی پس از مدتی این اتحاد برهم خورد و حرکت انقلاب اسلامی عملاً از هم پاشیده شد. ولی مولوی بنی محمدی که در زمان ظاهرشاه نیز وکیل مجلس بوده هنوز خود را رهبر حرکت اسلامی میدانند. پس از مدتی انشعاب دیگری در حزب اسلامی بوجود آمد و مولوی محمد یونس خالص از این حزب جدا شد و حزب دیگری را با همین نام بوجود آورد (انقلاب اسلامی - ۸ تیر) باین ترتیب روشن می شود که همه احزاب فعلی، به غیر از «حزب ملی» (که دیشبه ایجاد آن را در پائین شرح می دهیم) که با رژیم انقلابی افغانستان می جنگند از یک ریشه واحد بوجود آمده اند و ریشه در خاک امپریالیسم دارند.

فئودال دیروز، انقلابی امروز!
در زیر گروه های باسلاط «مبارز» افغانستان را که «مهمترین سازمان های پیچیده شده توسط امپریالیسم آمریکایی» چین و پاکستان هستند به اختصار معرفی می کنیم:
۱- حزب اسلامی افغانستان - این حزب که ابتدا حزب حرکت انقلاب اسلامی افغانستان نام داشت، درواقع با انشعاب کادرهای جوانان مسلمان از جبهه «اتحاد ملی» بوجود آمد. رهبر آن در حال حاضر گلبودین حکمت یار است. او براساس پالیسیان افغانستان است. گلبودین حکمت یار وقتی به جوانان مسلمان پیوست هیچ چیز نداشت و کارگرزاده ای بی پول و مقام که تازه به «اخوایی» های دانشگاه کابل جلب شده بود و مطابق نقشه آنجا در دانشگاه درس می خواند.

مردم افغانستان در سال ۱۳۵۸ بنام گلبودین حکمت یار

رهبران «مبارزان» افغانی که بدست بوس سادات رفتند در یک نگاه

- ۱- گلبودین حکمت یار، رهبر حزب اسلامی افغانستان؛ پالیسیان افغانستان، صاحب همزمان های ایالت کندوز.
- ۲- برهان الدین ربانی، رهبر جمعیت اسلامی افغانستان؛ بزرگترین سرمایه دار افغانستان.
- ۳- مولوی محمد بنی محمدی، رهبر حرکت انقلاب اسلامی افغانستان؛ شاپور بختیار افغانستان، نماینده سابق مجلس ظاهر شاه.
- ۴- شیخ احمد گیلانی، رهبر حزب ملی افغانستان؛ داماد ظاهر شاه، نماینده پیرو فرانس در افغانستان.
- ۵- ثقیث الله مجددی، رهبر جبهه نجات افغانستان؛ امام جمعه مسجد کهنه که بنامندگی از طرف ملک فیصل و صاحب ۴۰ هزار جریب، ۴۲ باغ انگور و...

بخوبی آشنا شدند. در این سال در ایالت کندوز سه دهقان هنگام برداشتن خرمن، به غارت آنچه کشت کرده بودند توسط ارباب اغتراف شدند و از دادن تمام کاشته های خود به ایشان خودداری کردند. به ایشان برای کسب تکلیف پسران ارباب رفتند و از او نظر خواستند. ارباب خشمگین دستور داد خرمن را آتش بزنند و دهقان را زنده زنده به داخل آتش بپاژند تا دیگران عبرت بگیرند. همین کار هم انجام شد. این جنایت آتشد فجع بود که در روزنامه های آفریوز افغانستان که زیر یوغ دیکتاتوری بودند، به آن اشراف شد. این ارباب کسی نبود غیر از گلبودین حکمت یار که کارگرزاده فقیر سال ۱۳۴۷، وقتی در سال ۱۳۵۷ به دنبال انقلاب از افغانستان فرار می کرد، یکی از بزرگترین فئودال های افغانستان شمرده می شد. زمین های او در ایالت کندوز آتشد وسیع بود که درواقع می شد او را صاحب این ایالت زرخیز شمالی افغانستان شمرده. گلبودین، وقتی حقیقتاً «امین» جاسوس سیاه تصمیم به تسلیم افغانستان به امپریالیسم گرفت، از طرف کارتر نقشه اش را نقش بر آب کرد.

گلبودین حکمت یار در اسفندماه سال پیش مخفیانه به تهران آمد و با ریاست جمهوری ایران دیدار کرد.

سرمایه داری که انقلابی شد!

۲- جمعیت اسلامی افغانستان - این جمعیت از «حزب اسلامی» افغانستان انشعاب کرد. رهبر این جمعیت برهان الدین ربانی است. او از عناصر اصلی «اخوایی» ها در دانشگاه کابل بود و در آنجا شرایط تدریس می کرد. برهان الدین ربانی هم مانند حکمت یار از فئودال های بزرگ افغانستان است. او در ایالت بدخشان کابل زمین ها و باغ های بسیار وسیع دارد. برهان الدین ربانی یکی از تجار بزرگ صادرکننده قهوه (پوست گوسفند) که آمریکا بود و بعد از انقلاب افغانستان سرمایه های کثانی که در بانک های افغانستان با شراکت آمریکایی ها بکار اداخته بود. مصادره شد. جمعیت اسلامی دومین گروه از شورشیان افغانی را از نظر کمیت تشکیل میدهد و در ایران بویژه فعالیت وسیعی دارد. این جمعیت در شهرهای بزرگ ایران شعبه دارد. در شماره ۲۷۱ نامه مردم چاپ این جمعیت از زوایا بخشی از اعضای انشعابی آن مباحث رسیده است.

شاپور بختیار افغانستان!

۳- حرکت انقلاب اسلامی - رهبر این حرکت باسلاط اسلامی شخصی بنام مولوی محمد بنی محمدی است. این شخص در زمان ظاهرشاه به نمایندگی از طرف «حضرات

سفر آنها به دستور وزیر خارجه ایران از خزانه مردم ایران پرداخت میشود. آیا ایران انقلابی باید به مزدوران آمریکا و فئودال های افغانستان پول بدهد تا بهر زحمت کشتن ایران بگردش در زوایا بپردازند و از آنجا به مصر بروند؟ اکنون که خورشید واقعیت کوشه های از آنچه را در افغانستان میگذرد روشن کرده است، ما مایهت واقعی به اصطلاح مبارزان افغانی را روشن می کنیم و ریشه ایجاد آنها را تشریح می نماییم. تا انقلابیون ایران و بسویژه مسلمانان صادق انقلابی بهتر آنها را بشناسند. در حال حاضر ۲۶ گروه در افغانستان علیه رژیم انقلابی این کشور می جنگند. از این گروه های متعدد که همگی ریشه در سازمان های جاسوسی غرب دارند و به تمامی توسط فئودال ها و مرتجعان تشکیل شده اند ۸ گروه عمده «اتحاد اسلامی» افغانستان را با کوشش های وزیر خارجه ایران تشکیل داده اند. بزرگترین گروه «مبارزان» افغانی، از نظر کمی، حزب اسلامی نام دارد که مستقل است! و با دیگر گروه ها ائتلاف نکرده است. ده گروه دیگر هم باز به کوشش وزیر خارجه ایران «جبهه آزادیبخش انقلاب اسلامی افغانستان» را بوجود آورده اند. گروه های باقیمانده هم گروه «دین» و «سازمان» هستند که تنها نامی دارند، برای انتشار اعلامیه به سبک مائوئیست های وطنی.

دورنگری امپریالیسم!

برای آشنائی با مایهت این گروه ها لازم است اندک به گذشته برگردیم و سرچشمه آلوده آن را بیابیم. سال ۱۹۹۲، در اوج تسلط امپریالیسم انگلیس بر افغانستان قبیل های توسط حکام انگلیسی به کابل کوچ داده شد. این قبیل که در مرکز کابل محله ای و بازاری بنام خود دارد «حضرات شوربازره» نامیده میشود. بعدها تاریخ نشان داد که انگلستان از کوچاندن این قبیل به کابل تدارکچه توطئه عظیمی را برای آینده بسیار دور در افغانستان می دیده است.

بعد از این تاریخ، یار دیگر با نام «حضرات شوربازره» در سال ۱۹۱۸ در «پشتون» در این سال امیر امان خان پادشاه افغانستان، در پیشانی مردم این کشور، کاملاً برتر از انگلستان را که بعد از جنگ اول جهانی رو به ضعف نهاده بود، شکست داد و به کابل نزدیک شد. در نزدیکی کابل، برای اولین بار در سراسر افغانستان لشکریانی از خود افغانستانی به جنگ امان الله خان آمدند. فرمانده مخالفان آزادی افغانستان از یوغ سلطه امپریالیسم انگلیس، که همان قبیل «حضرات شوربازره» بود، شخصی بسود بنام صادق مجددی، مردم افغانستان این دشمن را هم شکست دادند و صادق مجددی اعدام شد. از این تاریخ «حضرات شوربازره» در نزد مردم افغانستان جلوه بازی جبهه فروشان پستی هستند که تنها باید فقر فتراشان کرد. بعد از امان الله خسان پسرش در خان به سلطنت رسید. او شخصی را بنام ثقیث الله مجددی بعنوان سفیر به مصر فرستاد. این شخص برادرزاده همان صادق مجددی است. ثقیث الله در مصر توسط پس عمویش هارون مجددی که همسر همان صادق مجددی باشد با «اخوان المسلمین» که آنها هم زیر نقاب اسلام از قرن ۱۹ توسط انگلستان در کشورهای عربی اسلامی سازمان داده شده و سرکشان در مصر بود رابطه برقرار کرد و به تحصیل در دانشگاه الاه که سند اخوان المسلمین بود پرداخت. خود ثقیث الله می گوید: «الیه قبل از آن هم در ازهر تحصیل کرده بودم» (انقلاب اسلامی - ۸ تیر) او به مدت ۲۲ سال سفیر سیار شاهان افغان در مصر و کشورهای همسایه آن بود و در این مدت توانست خدمات زیادی به سازمان های گروه های «اخوایی» بکند. ثقیث الله در سازمان های قزوق جمال عبدالناصر هم نقش اساسی داشت. قرار بود هارون ناصر را زور کند، اما این توطئه موفق نشد. ثقیث الله در بهار سال ۱۹۶۶ به افغانستان بازگشت. این تاریخ درست چند ماه بعد از تشکیل حزب دمکراتیک افغانستان توسط نورمحمد ترمکی و بزرگ کارل و علی اکبر خیر است.

ثقیث الله مجددی در دانشگاه کابل با گروهی از تحصیل کردگان الاه که همگی از «اخوایی» ها بودند و دانشجویانی که توسط آنها جلب شده بودند تماس گرفت و گروهی را تشکیل داد. در سال ۱۹۶۸ در دانشگاه کابل انجمنی بوجود آمد بنام جوانان مسلمان که ۱- حکمت یار ۲- سیال الدین ۳- حبیب رحمان ۴- دکتر عمر ۵- مولوی حبیب رحمان ۶- عبدالرسول سیاف و ربانی در راس آن قرار داشتند. (انقلاب اسلامی - ۸ تیر)

بعد از تشکیل انجمن جوانان مسلمان نوبت به تشکیل گروه دیگری رسید: «من در همان سالها پس از مراجعت از مصر جمعیت اسلامی جدیدی را پایه گذاری کردم» (ثقیث الله مجددی - انقلاب اسلامی - ۸ تیر) بعد از تشکیل جمعیت اسلامی جدیدی (مدارس مذهبی دولتی) ثقیث الله گروه دیگری را بوجود آورد بنام جمعیت خدام الفرقان. هر سه این گروه توسط «حضرات شوربازره» حمایت می شد و ثقیث الله مجددی آنها را رهبری می کرد. سپس کادرهای «اخوایی» باین ترتیب در گروه ها تقسیم شدند: «گلبودین حکمت یار و برهان الدین ربانی در راس جوانان مسلمان» قرار گرفتند، «بابرهمی مجددی» به سرعوی ثقیث الله که بعداً کشته شد در راس «خدام الفرقان» قرار گرفت و مولوی محمد بنی محمدی جانشین او شد و مولوی نصرالله هم به معاونت او منصوب گردید. جمعیت العلماء محمدی را هم خود ثقیث الله رهبری می کرد.

این ۳ گروه بعد از انقلاب افغانستان ابتدا به یکدیگر پیوستند و جبهه ای را بنام «اتحاد ملی» ایجاد کردند. ثقیث الله در این باره میگوید: «از ابتدای انقلاب گلبودین و سیال الدین، از همان سال، جمعیت العلماء و دیگران از جبهه را ایجاد کردند» (انقلاب اسلامی - ۸ تیر) و به این ترتیب جمعیت های دستبویزه امپریالیسم در لحظه «من تاریخ وارد عمل شدند و آنها که در تمام طول سلطنت ظاهرشاه، نه تنها ساکت بوده بلکه سفیر شاه چنانستار بودند به «مبارز» تبدیل شدند. ثقیث الله مجددی زمان آفر «مبارزه» گروه های پادشاه را چنین اعلام می کند: «از زمان داود خان مبارزات ما شکل گرفت» (انقلاب اسلامی - ۸ تیر) جبهه «اتحاد ملی» چند ماه بیشتر دوام نیاورد و

بقیه از صفحه ۱

من این سوال را از آن جبهه کردم که نسبت به وابستگی بعضی از این گروه ها شایعیه وجود دارد نظر شما چیست؟

ج- اتفاقاً به این خاطر حاضر نشدم با این گروه ها متحد شوم.

من یعنی شما هم وابستگی پاره ای از این گروه ها را تأیید می کنید؟

ج- بله (انقلاب اسلامی - ۸ تیر)
خود حکمت یار چیست؟ حزب او چه مایهتسی دارد؟ احزابی را که حکمت یار هم آنها را وابسته دانست چه مایهتسی دارند؟ روزنامه جمهوری اسلامی به این سؤالات جواب دقیق تری میدهد: «مفاتیح گان پنج گروه از احزاب آمریکائی افغانستان به ریاست دکتر عبدالرسول سیاف رئیس اتحادیه باسلاط اسلامی برای آزادی افغانستان با انور سادات و سایر مقام های مسئول دولت مصر ملاقات کردند» (جمهوری اسلامی - ۹ تیر)

سختکوی این گروه ها گفت: «مهایت مجاهدین افغانی که سه روز پیش برای ملازکه و دریافت کمک های نظامی و مالی به مصر آمده بودند موفق شدند تا امروز با رئیس جمهوری سایر مقامات مصری ملاقات نمایند. وی این ملاقات را مفید و سازنده خواند» (هانباجا)
همین روزنامه اضافه می کند: «در حقیقت تمام گروه های که مورد حمایت پاکستان و عربستان می باشند آمریکائی اند و آنها بجای اینکه مبارزه کنند شمار میدهند و در جنگها و نبردهای خونین دخالت می کنند. زیرا جان خود را از استقلال افغانستان بیشتر دوست می دارند. آنها خانانان مزدوران و وطن فروشند و فقط بپرد توکری آمریکا می خوانند» (هانباجا)

دفاع از مزدوران!

اگر چنین است! اگر گروه های پادشاه مزدورند و تنها بپرد توکری آمریکا می خوانند، اگر به پاپوس سادات میروند، آنگاه آیا برخی مقامات مسئول ایرانی باید از آنها دفاع کنند؟ که می کنند! آنگاه آیا وسایل ارتباطی توده گیر ما باید در دست در اختیار آنها باشد؟ که هست! روزنامه جمهوری اسلامی می نویسد: «لازم به تذکر است که گروه های فوق عملاً در جنگهای افغانستان نقش نداشته و در بسیاری از مناطق مسلمانان رزمنده افغانستان آنها را از خود رانده اند» (۹ تیر)

اگر این ها درست است، که بیگمان هست، ما از افراد صادق و انقلابی مسلمان می رسیم چرا تاکنون ۹۹ دوسد اخبار مربوط به جنگهای افغانستان از قول همین «گروه های» که فقط بپرد توکری آمریکا می خوانند در مطبوعات ما نقل شده مزدوران آنها، «مجاهد» و «مبارزه» نام گرفته اند! برای روشن شدن بیشتر وضع چند نشانی میدهم: روزهای ۲۸ و ۲۹ و ۳۰ و ۳۱ تیرماه، سوم تا بیست و پنجم مردادماه ۱۳۵۸ یعنی نزدیک به یک ماه تمام، همه اخبار روزنامه جمهوری اسلامی و رادیو و تلویزیون ایران درباره افغانستان به نقل از حزب اسلامی و جمعیت اسلام افغانستان بوده است.

در اسفندماه همین سال هم باز هم حزب اسلامی و حرکت اسلامی افغانستان منابع خبیر درباره افغانستان بوده اند. روز بیست و پنجم خردادماه اسال هم بعنوان یک نمونه خبر میباشند: «تاکت شوروی توسط «مبارزان» افغانی در روزنامه جمهوری اسلامی به نقل از حزب اسلامی افغانستان پیچ رسیده است. همین حزب افغانی کدائی روز در اسفند سال گذشته ۲۲ تاکت را منهدم کرده، ۲۵ خودرو را از میان برده و چهارصد قیفه سلاح با ۳۰ هزار تیر فشنگ از نیروهای شوروی بدست آورده است و خبر آن را روزنامه جمهوری اسلامی و رادیو تلویزیون منتشر کرده اند.

اگر این درست است که گروه های پادشاه بجای اینکه مبارزه کنند شمار میدهند و در جنگها و نبردهای خونین دخالت می کنند (جمهوری اسلامی - ۹ تیر) پس چگونه فقط یک گروه آنها یعنی حزب اسلامی افغانستان توانسته است در روز ۲۶ اسفند ۱۳۵۸ به تنهایی ۶۷۵ سرباز روسی را بکشد (جمهوری اسلامی - ۲۶ اسفند ۱۳۵۸)؟ این نبرد در کجا روی داده است؟ مسئول این اخبار که در آنها نوکران آمریکا «مبارزه» و «مجاهد» خوانده شده اند چیست؟

ما در صورت لزوم آمار دقیقی از فعالیت این «مبارزان» که ۹۹ درصد اخبار رسیده از افغانستان مربوط به آنهاست منتشر خواهیم کرد.

دزدان مزدوران آمریکایی!

اگر این گروه ها فقط بپرد توکری آمریکا می خوانند، (جمهوری اسلامی - ۹ تیر) که می خوانند، چگونه است که در سراسر ایران آزادانه فعالیت دارند، پول جمع می کنند؟ سخنرانی می کنند، صاحب دفتر هستند و حتی در دانشگاه تهران نمایندگان دائمی دارند!

اگر این گروه ها مخانی اند، مزدورند، وطن فروشند (هانباجا)، که هستند، و اگر مرحله دوم جنگهای مسلمانان افغانستان با این گروه های مزدور آمریکائی خواهد بود (هانباجا) چگونه است که آنها را همراه هیئت های نمایندگی ما باید از وزیر خارجه و دولت جمهوری اسلامی ایران تشکر کنیم که نماینده افغانی ها را راه نمی داند و حتی بعنوان ناظر می قبول تکرزد ولی وزیر امور خارجه آقای قطب زنده فعالیت اسلامی خود را کرد و مبارزین را بعنوان هیئت ایران و در ردیف نمایندگان ایران داخل این کنفرانس کرد. (یکی از رهبران «مبارزان» - مصاحبه تلویزیونی - اول تیر)، و چگونه است که وزیر امور خارجه ایران و حبیب شفی کفرانس زو را با شرکت همه گروه های پاد شده تشکیل دادند تا اینکه به این مزدوران رسمیت جهانی ببخشند: «این کنفرانس جهت بحران افغانستان نیست و انگیزه آن معرفی کردن مجاهدین این کشور به جهانیان است» (انقلاب اسلامی - ۸ تیر)

آیا ایران انقلابی باید با مزدوران آمریکا پشت یک میز بنشیند؟ آنها در خانی که حتی همه خبرنگاران هم در کنفرانس زو میدانند که گروه های افغانی قرار است از آنجا مستقیماً به دست بوس انور سادات بپرسوند؟ و جالب اینجاست که، با وجود اطلاع از این امر، نه تنها مزدوران آمریکائی بعنوان «مجاهد» و با استناد از حیثیت ایران انقلابی به جهانیان معرفی میشوند، بلکه همه هزینه

شوربازره تأیید شده، سبکی بود. مولوی محمد بنی محمدی در واقع شاپور بختیار افغانستان است. او رهبر موسیاد دمکرات های افغانستان است و همراهان او را هم موسیاد دمکرات های افغانستان تشکیل میدهند. جالب اینجاست که وزیرک این حزب در هندایرانی بودن است. حزب حرکت انقلاب اسلامی پشت دارای تمایلات شوونیستی است و اعتقاد دارد ایران جزئی از افغانستان است! حضور آیین شخص در هیئت نمایندگی ایران در کنفرانس پاکستان بسیار با معنی است! **داماد ظاهرشاه، انقلابی امروز!**

۴- حزب یا محاذ ملی - رهبر این حزب شخصی بنام شیخ احمد گیلانی است. او تنها کسی است که از مسیر یاد شده، یعنی «اخوایی» های تعلیم دیده دانشگاه الاه، با امپریالیسم رابطه ندارد و در عوض از مسیر دیگری به امپریالیسم پیوند می خورد. روزنامه نیویورک تأیید دارد که نقش پدر ضد انقلاب افغانستان را بازی می کند، می نویسد: «شهرنامه این مرد پنجاه ساله که او را «میر» یعنی مقدس می نامند، گویا به حضرت محمد مرشد! ببینیم این نسبت تلافی را چگونه به شیخ احمد چپانده اند! خانواده گیلانی از مرتجعان بنام عراق هستند و در میان مردم این کشور بعنوان جاسوس انگلیس شهره اند. در اواسط قرن نوزدهم پدر شیخ احمد که نقیب نام داشت توسط دستگاه جاسوسی انگلیس به بمبئی انتقال داده شد. در آن زمان هم مانند حالا افغانی ها به بمبئی رفت و آمد زیادی داشتند. در میان آنها شایع کردند تیر بغداد آمده است. افغانی ها دسته دسته به امیر فیدار نقیب رفتند و در آنجا بود که به آنها گفته شد سب نقیب به حضرت فدیده می رسد. تبلیغات وسیع درباره نقیب او را به حد پیامبری رساند و پندبال آن، نقیب یا قابیل پشتون» (پشتو) افغانی آشنا شد و چندی بعد به کویت بلوچستان در پاکستان که هم مرز ایالت پشتونستان افغانستان است منتقل شد و با کمک تبلیغات انگلیسی هر روز بزرگ و بزرگتر شد. در زمان سلطنت پدر امیر حبیب الله خان، نقیب نامهای به او نوشت و خواستار ورود به افغانستان شد. اما پدر امیر حبیب الله خان مخالفت کرد. در زمان حبیب الله خان، نقیب بازم تقاضای خود را تکرار کرد و توانست با کمک ملایان پشتو که در دربار حبیب الله خان بسیار بودند اجازه ورود بگیرد. برای استقلال از او قبلی را از جبار ملای به مرز فرستادند و قشون ولایت قندهار به پیشوازش رفت. نقیب را تا کابل با تشریفات کاندل همراهی کردند و او در کابل ساکن شد.

وقتی امیر امان الله خان علیه سلطه گران انگلیسی شورید، نقیب در باغ برگری در شمال کابل زندگی می کرد. ابتدا انگلیسی امان الله خان را در کابل شکست داد و به کشتار مردم پرداختند. وقتی مردم شکست خورده خود را با زحمت به باغ نقیب رساندند که از او کمک بگیرند او را دیدند که در آلاچیق باغ با قبول انگلستان نشسته است و تریاک می کشد. نقیب در پاسخ فریادهای کمک مردم در حالیکه می خندید، می گفت:

بعد از پیروزی امان الله خان، نقیب اعدام شد. از او دو پس ماند، یکی در اثر افراط در الکل مرد و دیگری همین شیخ احمد گیلانی است. همین احمد گیلانی که هفت گشته با داکلاس هرده معاون وزیر خارجه انگلستان ملاقات کرد و عهد دیرین را تجدید نمود.

شیخ احمد گیلانی از بزرگترین سرمایه داران افغانستان بود. او در ایالت ننگرهار (جنرال آباد)، در کابل، در زیر دانه های کوه سفید در شرق افغانستان و در ایالت لقمان زمین ها و باغ های بسیار وسیع داشت. گیلانی در بخش عمده تجارت و بانکهای افغانستان سرمایه گذاری کرده بود. او نماینده شرکت پترو فرانسوی در افغانستان بود. بعد از انقلاب، وقتی فروشگاه بزرگ او در کابل مسافره و زمین هایش تقسیم گردید به اتفاق همسرش، که نوه پادشاه سابق افغانستان است به پشاور در پاکستان فرار کرد.

نبرد برای پس گرفتن ۳۰ هزار جریب!

۵- جبهه نجات افغانستان - رهبر این گروه یعنی ثقیث الله مجددی را در سلطو پیشین به اندازه کافی معرفی کردیم. او در حال حاضر هم بنامزدانده اصلی «اتحاد اسلامی» افغانستان و خودش رهبری جبهه نجات افغانستان را بر عهده دارد که نام جدید همان «اتحاد ملی» سال ۱۹۶۸ است. خود ثقیث الله مجددی درباره ترکیب اعضای گروه می گوید: «گروهی از جوانان که خارج از کشور از جمله اروپا و آمریکا مشغول کار و تحصیل می باشند و برای از افسران ارتش و تنی چند از روسای قبایل تشکیل شده است» (انقلاب اسلامی - ۸ تیر) خود او در همین شماره روزنامه افغانستان در خدمت ثقیث الله و پسرعمو: «به پیشنهاد ملک فیصل و رژیم عربستان سعودی برای رسیدگی به امور مسلمین به کهنه کاره رفتم».

او همچنین اعتراف می کند که بعد از انقلاب افغانستان مبارزه با رژیم انقلابی این کشور را آغاز کرده است: «پس از کودتای خلغی ما اولین کسی بودم که اعلام جهاد کردم» (انقلاب اسلامی - ۸ تیر)

ثقیث الله مجددی قبل از انقلاب تنها در کابل، در دانه کوه دامن یک مجمع بزرگ کشاورزی داشت که بر ۳۰ هزار جریب زمین شایع می شد. به علاوه ۳۲ باغ انگور و ۸ آسیاب هم در کابل مشغول به ثقیث الله مجددی بود. ۱۰۰ خانواده دهقان هم از پدر بزرگ گرفته تا فرزندان خردسال در سراسر افغانستان در خدمت ثقیث الله و پسرعمو. هایش بودند. دولت این خانواده ها را از همه خدمات دولتی معاف کرده بود تا خانواده مجددی را خدمت کنند. حتی در مورد مسائل جزائی، جنائی و حقوقی این خانواده هم دولت نمی توانست تصمیم بگیرد و تصمیم گیری به عهده ثقیث الله مجددی بود. این خانواده ها در دولت در دولت مجددی که در سراسر افغانستان بویژه پشور، لوگر، میدان، غزنی و جلال آباد سیطره کابل داشت خدمت میکردند. گمان میکنیم که حالا دیگر با گروه های «مبارزه» افغانستان و سیما واقعی این مجاهدان مسلمان آشنا شده ایم. آری این ها ضد انقلابیون وابسته به امپریالیسم و فئودال ها و سرمایه داران کلانی هستند که علیه انقلاب می جنگند و کمترین راهی با اسلام راستین ندارند.

حمله مجدد ضد انقلاب به دفتر سازمان ایالتی حزب توده ایران در فارس

عوامل ضدانقلاب در صدد تاختن بر سازمان فارس را به صحنه درگیری های جدیدی تبدیل کنند

اسلامی ایران در شیراز اقدامات لازم را معمول نمی دارند تا در شرایط کنونی که توطئه گران در تقاطع مختلف استان فارس علیه انقلاب به توطئه چینی مشغولند، و خان های مزدور با همدستی ساراک-های از زندان آزاد شده و فئودال های منطقه دست به دست هم داده اند، و با تکیه بر امپریالیسم جهانی می خواهند این استان را به عرصه درگیری های جدید تبدیل کنند، بطور جدی، بسیبن چنین اعمال خلاف قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران را مجازات کنند، مگر شخص امام خمینی، هم چنین رئیس جمهوری و مقامات شورای انقلاب و وزرای مسئول بارها موضع خود را در این گونه موارد بیان نکرده اند؟

ما بار دیگر هشدار می دهیم که توطئه جدید ضدانقلاب در تجاوز به دفتر سازمان ایالتی حزب توده ایران در فارس می تواند زنگ خطری برای همه نیروهای انقلابی و ملی باشد، این توطئه همچنین هشداری به مقامات مسئول مملکتی است تا هر چه زودتر و بنحوی جدی به مقابله با ضدانقلاب برخیزند.

عوامل ضدانقلاب روز ۹ تیر برای دومین بار در طول روز به دفتر سازمان ایالتی حزب توده ایران در فارس حمله کردند. در این حمله که منجر به جرح شدن یکی از رفقای ما گردید، بالغ هشتکشتی خسارت به دفتر وارد آمد. این عناصر ضدانقلابی که مانند دغه گشته با شکستن پنجره وارد دفتر حزب توده ایران در شیراز شدند، اموال دفتر را نیز به غارت بردند. در بین مهاجمین چهره های شناخته شده ای که در روز قبل هم به دفتر سازمان ایالتی حزب توده ایران در فارس و سخته پیش به دفتر سازمان جوانان و دانشجویان دمکرات در شیراز یورش برده بودند، دیده می شدند. باوجودیکه مأمورین انتظامی در خیابانی که دفتر حزب در آن واقع است، به منظور حفظ نظم گرد آمده بودند، اما عوامل ضدانقلاب بدون کترین درگیری!! وارد دفتر حزب توده ایران شدند.

ما ضمن اعتراض شدید به این عمل ضدانقلابی اعلام می کنیم که برای ما جای بسی شگفتی است که مقامات مسئول جمهوری

در اردبیل

حمله به نمایشگاه «پایه پای انقلاب» زیر پوشش اسلام

مأمورین شریانی نیز از این عمل ضدانقلابی گزارش تیه کردند و با خود به شیراز می روند. رفقای ما ضمن تیه شکایت نامه و تحویل آن به دادگستری اردبیل، به دادگاه انقلاب اسلامی این شهر مراجعه کردند که مقامات مسئول حتی از ملاقات با آنها خودداری کردند!!

ما ضمن اعتراض شدید به این عمل ضدانقلابی که زیر پوشش اسلام صورت گرفته است، به مسئولین نهادهای انقلابی و مسئولین شهر اردبیل یادآور می شویم که دفاع از حقوق صحره در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران برعهده آنهاست. نقض این قوانین در حقیقت نقض دستاوردهای انقلاب بزرگ ملیر مردمی ایران است که پشتوانه آن خون ده ها هزار شهید است. لذا ما از مقامات مسئول می خواهیم که ضمن رسیدگی به این قضیه هر چه زودتر بسیبن آنرا دستگیر و مجازات کنند و مترجه باشند که يك اقدام ضدانقلابی صرف نظر از نام و پرچمی که زیر آن انجام گیرد يك اقدام ضدانقلابی است و باید جلوی آنرا قاطعانه گرفت.

عده ای از عناصر شناخته شده زیر پوشش اسلام روز ۹ تیر به نمایشگاه فرقه دمکرات آذربایجان سازمان حزب توده ایران- کیمیه شیری اردبیل حمله کردند و وسائل آن را با خود بردند! این نمایشگاه که تحت عنوان «پایه پای انقلاب» در پارک شهر اردبیل برگزار شده بود، با استقبال پرشور زحمتکشان این شهر روبرو شد. لیکن هنوز مدتی از برپایی این نمایشگاه نگذشته بود که عده ای از این افراد که بنا به گفته امام خمینی زیر نام اسلام غائله ایجاد می کنند به آن حمله و شروع به برچیدن آن کردند. به دنبال این حمله دوتن از رفقای ما به سیاه پاسداران اردبیل مراجعه کردند و آنها را در جریان امر قرار دادند. ولی متأسفانه مسئولین سیاه پاسداران اردبیل به دلیل اینکه «ما در انتظامات شهر شرکت نداریم» از کمک به آن خودداری کردند و آنها را راهنمایی کردند که به شهربانی مراجعه کنند. رفقای ما به شهربانی اردبیل رفتند و بلاخره همراه در مامور به محل برگزاری نمایشگاه رفتند. جنگامی که رفقای ما به محل نمایشگاه رسیدند مشاهده کردند که عناصر مزبور نمایشگاه را برچیده و با خود برده اند!!



رویدادهای ایران

آیت الله خلیلی:

دشمن ما امپریالیسم جهانخوار آمریکا و صهیونیسم است

آیت الله خلیلی به محترمین هشدار داد

آیت الله خلیلی روز ۶ تیر ضمن سخنانی در شهر مشهد تاکید کرد که دشمن ما امپریالیسم جهانخوار آمریکا و صهیونیسم است که کمر همت برای انهدام این ملت بسته اند. آیت الله خلیلی که در مراسم نماز جمعه این شهر سخن می گفت، ضمن اظهار مطلب بالا در مورد سازمانهای گوناگون جاسوسی کشورهای امپریالیستی گفت که آنها هیچگاه نمی خواهند اسلحه و قدرت دست توده های زحمتکش و ملت مسلمان ما باشد بنابراین هر روز توطئه می کنند. آیت الله خلیلی در بخش دیگری از سخنانش خود به سرمایه داران بزرگ وابسته و محترمین کلاهای ضروری مردم هشدار داد و گفت: ... آقای سرمایه دار تو که می گویی ما در خط امام و سرایز امام هستیم، حالا چرا با خون این ملت بازی می کنی؟ چرا هر روز کلاها را گران و احتکار می کنی؟ خدا شاهد است که راه های تلفن، خانه، انبار، ماشین و رفت و آمدهای مشکوک و پلبل سفر به اروپا که ارز خارج می کنی و از این رهگذر می خواهی این ملت را به نابودی بگشایی، همه را این ملت یادداشت کرده است... آیت الله خلیلی در پایان سخنان خود بار دیگر از مردم خواست تا اتحاد خود را حفظ کنند و نگذارند «توطئه اهریمنان خلیلی در یکبارگی آنها وارد آورد و همراه با امام و بهشتیوانه امام متحداً بر علیه دشمن مشترک مبارزه کنند».

اعتراض کارگران شرکت طرح توسعه تلفن

کارگران شرکت طرح توسعه تلفن روز ۱۰ تیر به همراه نمایندگان این شرکت به ساختمان این شرکت مراجعه کردند و با شعارهای «ما حقوق خود را می خواهیم» و «ما کارگران را می خواهیم» در مقابل ساختمان این شرکت تجمع کردند. این کارگران که به نمایندگی از طرف هزار و صد کارگر در محل در مقابل ساختمان این شرکت تجمع کرده بودند از مقامات مسئول درخواست اعتراض کردند.

این اطلاعیه دیروز بدست ما رسید:

اطلاعیه حزب دمکرات کردستان ایران

(پیروکنگره چهارم)

درباره دستگیری فاروق کیخسروی توسط منحرفین

مردم مبارز کردستان!

هشتمین گرامی

دموکرات نمایان، کسایکه داعیه برقراری دموکراسی در ایران و خودمختاری در کردستان را دارند، امروز به شیوه های پلیس و کلاهدور از منطق انسانی، مهندس فاروق کیخسروی عضو کمیته مرکزی حزب دموکرات کردستان و مسئول تشکیلات سقز را بازداشت نمودند.

اتهام مهندس فاروق کیخسروی اینست که با خط منحنی همراهی نکرده و فردیست صادق که سنگر مبارزه راهیچگاه ترک نموده و همیشه در همه حال در صف توطئه های ضد انقلابیون و وابستگان و کسای که در خدمت خلق خود نیستند کوشیده است. این مسئله بر اصطلاح «دفعه یون ساسی» گران آمده است و دستور جلب این مبارز انقلابی را صادر ره شیوه های کاملاً غیر انسانی ویرا بازداشت و به تعلق نامعلوم انتقال داده اند. ما پس از حزب دموکرات کردستان ایران (پیروکنگره چهارم)، خواهان آزادی هر چه زودتر مهندس فاروق کیخسروی هستیم و از مردم مبارز کردستان نیز خواهیم که اعتراض خود را نسبت به این اعمال ناجوان مردانه و غیر انسانی ابراز دارند، و خواستار آزادی نامبرده گردند.

حزب دموکرات کردستان ایران (پیروکنگره چهارم)
۵۹/۲/۱۰

بررسی مشکلات خارجیان مقیم سوئد

هواداران حزب توده ایران فدائی خلق ایران شاخه خراسان، طی اعلامیه ای تحت عنوان «ما و اقلیت» اختلاف خود را با اقلیت انشاپرک «اصولی» خوانده است. در این اعلامیه از جمله آمده است: «سازمان شکنان «اقلیت» بنابر تداولات صفاذهنی و کودکانه خود که زمانی میکوشیدند تحت تأثیر غرور جوانی، راه را بر تحولات چشمگیر و رو به گسترش سازمان که محصول مستقیم سیر تکاملی مبارزه

اعلامیه هواداران سازمان چریکهای فدائی خلق - شاخه خراسان

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران با ینش اقلیت، اختلاف اصولی دارد

هواداران سازمان چریکهای فدائی خلق ایران شاخه خراسان، طی اعلامیه ای تحت عنوان «ما و اقلیت» اختلاف خود را با اقلیت انشاپرک «اصولی» خوانده است. در این اعلامیه از جمله آمده است: «سازمان شکنان «اقلیت» بنابر تداولات صفاذهنی و کودکانه خود که زمانی میکوشیدند تحت تأثیر غرور جوانی، راه را بر تحولات چشمگیر و رو به گسترش سازمان که محصول مستقیم سیر تکاملی مبارزه

اعلامیه سازمان چریکهای فدائی خلق - شاخه گیلان:

ما، در کلی ترین و اصولی ترین مبانی مارکسیسم لنینیسم، با اقلیت، اختلاف اصولی داریم

سازمان چریکهای فدائی خلق شاخه گیلان، طی اعلامیه ای، «اقلیت» انشاپی از این سازمان را، «سازمان شکن» و «مهاجر اجوبان» چه، نامیده و اختلاف خود را با آن «اصولی» ذکر کرده است. در این اعلامیه از عنوان «فدائیان» متحد و یکپارچه در مقابل سازمان شکنان «اقلیت» استفاده اند، از جمله آمده است: «انقلاب و جدائی اقلیت از سازمان، در واقع به شیوه ای سازمان

در شماره ۹ نامه «مردم» به زبان آذربایجانی می خوانید:

ندارد. - به حساب مالی شرکت سهامی ذراحی بخش سلطانیه باید رسیدگی فوری شود. - در کارخانه اسفالت سازی قند اردومیه باید توجه فوری شود. - جلوی هر کمیسر احتشام اردبیل چه میگذرد. - دهقانان روستای «کولای» را بکیرید

خرید چنین آثاری خودداری کنند، همه این آثار با تصحیحات لازم در متن تالیف و یا با تجدید ترجمه آنها از سوی انتشارات حزب به چاپ خواهند رسید و خبر انتشار آنها در نامه «مردم» درج خواهد شد.

انتشارات حزب توده ایران

دقت!

از آنجا که بسیاری از آثار تحریف های در متن آنها صورت می گیرد، به علاقمندان مطالعه این آثار اعلام می کنیم که هر اثری که خبر انتشار آن قبل از نام «مردم» درج نشده باشد، از نظر ما، تجدید چاپ می شود و ضمن اعتبار ندارد و به اعضا و هواداران حزب توصیه می کنیم از آن گام به عمد یا غیر عمد

پیشداوری و بر خورد غیر اصولی...

بقیه از صفحه ۴
فدائیان خلق یا شاخه کردستان آن سازمان و «سیاست مهاجر اجوبانه» این شاخه مورد انتقاد قرار گرفته و راه حل مشکل کردستان از نظر حزب توده ایران روشن شده است. بطوریکه چهل اخبار، تحریف حقایق، توسل به شیوه های فادریست تحریک آمیز قادر به پوشاندن واقعیت و لگداز کردن خط مشی اصولی حزب توده ایران، که با پیگیری در سمت پیشبرد انقلاب ایران و مطابق پیام تاریخی رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران امام خمینی است، نیست. همین برخوردی نادرست غیر اصولی، همین پیشداوری های زبان بار است که مسبب میشود نویسنده سرمقاله انقلاب اسلامی در دست با همان زبانی از جنبش آزادی بخش ضد امپریالیستی خلق کر، برهبری قاضی محمد، شهید بزرگ، سخن گوید که دستگاه تبلیغاتی امپریالیسم آمریکا و شاه مخلوع سخن می گفت، به این فرزند قبرمان خلق کرد و افتخار همه مردم ایران برچسب «روسی»

نشاند. چرا؟
هنوز ۳ ماه به پیروزی انقلاب شکوهمند ایران برهبری امام خمینی مانده بود، در روزهاییک سردمدار امپریالیسم تجارزکر و غدار جهانی کارتی بدفیات پشتیبانی خود را از شاه خیانت پیشه اعلام میکرد، دبیرکل حزب کمونیست و صدر هیئت رئیسه شورای عالی اتحاد شوروی لئونیدیلچ برژنف با قطیعت و صراحت هر چه متاثر امپریالیسم را از مداخله در امور داخلی ایران بر حذر داشت، تا امروز نیز دولت و خلق شوروی دوست و پشتیبان قطع و جدی مردم ایران و انقلاب آنان بوده است. اما سرمقاله این دوست ایران و انقلاب آنرا دشمن قلمداد میکند، چرا؟
گروهها و سازمانهایی هستند که در حرحال به انقلاب نزدیک و نزدیکتر میشوند، از آن پشتیبانی می کنند، مواضع، نظریات و اعمال نادرست همکاران دیروزشان را انتقاد میکنند و محکوم می سازند. اما سرمقاله انقلاب اسلامی آنها را مورد حمله و هجوم قرار میدهد، برچسب میزند، محکوم می سازد. چرا؟ آیا این عمل جز تضعیف مواضع انقلاب و پالنتیجه تقویت مواضع ضدانقلاب نتیجه دیگری خواهد داشت؟

اجرای فوری اصل قانون اساسی در مورد ملی کردن بازرگانی و ایجاد بخش دولتی در توزیع فرآورده های مورد مصرف همگانی، یگانه راه برای کنترل قیمتها و جلوگیری از غارت سرمایه داران بزرگ، دلالان و محترکان است

نامه مردم

ارگان مرکزی حزب توده ایران

دارنده امتیاز
و مدیر مسئول
منوچهر بهزادی
خیابان ۱۶ آذربایجان
تلفن: ۹۳۵۷۸۹-۹۳۳۷۵۹
شماره تلکسی:
214081 TPI IR
چاپ: کلانیا

MARDOM
No. 273

3 July 1980

Price:

West - Germany

0.80 DM.

France 2 fr.

Austria 8 Sch.

England 20 P.

Belgium 10 fr.

Italy 330 L.

USA 20 Cts.

Sweden 1.50 Skr.